

امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی انقلاب ایران



تک شماره ۱۵ ریال

قطبنامه سنای امریکامبنی بردفاع ازعمال وکارگردانان رژیم طاغوتی و محکوم کردن احکام صادره از جانب دادگاههای انقلابی درمورداین جنایتکاران و خائنین بمردم ایران، چهره کریه وضد مردمی امپریالیسم خونخوار امریکا و خصومت وکین تیزی این ژاندارم جهانی رانسبت به انقلاب مردم ایران نمایان ساخت.

رژیم آدمکش و ضد مردمی که بسا

کودتای نظامی وضد ملی ۲۸ مرداد، با شرکت مستقیم دواتر جاسوسی ومستشاران نظامی امریکا روی کارآمد، متجاوز از بیست وپنج سال برجان ومال و ناموس مردم ماسلحه امریمنی خود را برقرار نمود. این رژیم بدست پرورده امریکا طی این این دوران، کشور ما را بسه تاراجگاه انحصارات امپریالیستی تبدیل نمود و ثروتهای طبیعی میهن ما را در اختیار اربابان امریکائی خود قرارداد، کشور را

به حساب درآمدهای ملی مردم ایران به پایگاه نظامی امریکا تبدیل ساخت، وبا اجرای سیاست نظامیکری و خریدهای کلان تسلیحات برای سرکوب مبارزات حق طلبانه خلقهای ایران و جنبشهای رهائی بخش ملی درمنطقه نقش ژاندارم را ایفاء نمود.

امپریالیسم امریکایران را به زائده اقتصادی وسیاسی ونظامی خودتبدیل کرد. وجودمستشاران نظامی امریکوقراردادهای

نظامی امریکا بارژیم شاه مخلوع، ارتش ایران را به صورت یک ارتش مستعمراتی درآورد. سازمان آدمکش امنیت شعبه ای آذوقه جاسوسی وسیاسی امریکاسرائیل بوده شکنجه گران وآدمکشان این سازمان بوسیله کارشناسان امریکائی و اسرائیلی آموزش میدیدند وباشرکت وزیرنظر آدمکشان حرفه ای امریکائی هزاران نفر ازبهترین فرزندان میهن ما رازیرشکنجه بقیه در صفحه ۴۴

روز جمعه نیز

فریاد خشم مردم علیه امپریالیسم امریکا

ادامه داشت



مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران که روزهای متوالی تقریباً همه شهرهای ایران را تکان داد درروزجمعه نیز ادامه یافت. «مردم» درشماره پیشین خود جریان تظاهرات گوناگون شهرهای مختلف را تا آخر روز پنجشنبه باطالع خوانندگان خود رسانیده بود. شما میدانید که چگونه وابستگان به احزاب

های انقلاب بیان داشتند. بنا بوعده ای که داده بودیم ازواپسین تظاهرات مربوط بروزجمعه نیز اینک اطلاعاتی دراختیار شما میگذاریم. در راه پیمائی از میدان راه آهن تا پارک خزانه بنا بدعوت سازمان مجاهدین خلق ایران، دهها هزار نفر شرکت جستند. در میمنتک بقیه در صفحه ۴

اتحاد عمل همه نیروهای انقلابی يك ضرورت تاریخی است

تظاهراتی که روزهای پنجشنبه و جمعه سوم و چهارم خرداد در سراسر ایران بمنظور اعتراض به قطبنامه سنای امریکا انجام گرفت، بیانگر این واقعیت اساسی بود که اکنون دیگر چهره دشمن عمده اصلی ایران، که میبایست تعیین کننده جهت اصلی مبارزه عمومی ما باشد، برای قاطبه مردم، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی و مسلکی و مذهبی، روشن است. به همین جهت فریاد مرکز امپریالیسم، مرکز صهیونیسم دستیار امپریالیسم، نابود باد امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم میهن ما در سراسر کشور طنین انداز بود. راه پیمائی های این دوروز تظاهری بود ازخشم و نفرت عمیق تمام مردم علیه آن قدرت جهانی که بدست ایادی خود، حکومت ملی دکتر مصدق را ساقط کرد، محمدرضای تبهکار را بقدرت رسانید، سازمان جهانی ساواک را پایه گذاری کرد، نظام ترور واخترناق وشکنجه و کشتار را در میهن ما مستقر ساخت، ارزنده ترین جوانان ما را در زیر ضربه های شکنجه، یا در میدانهای اعدام نابود کرد، و در پناه این چنین نظام طاغوتی و جهانی، با خیال راحت دهها میلیارد دلار از دسترنج مردم زحمتکش میهن ما را دزدیدند و در مقابل تا توانستند از پول خودما، دشمنان سوگند خورده داخلی ما را بر ما مسلط ساختند.

این دشمن اصلی را ما خوب میشناسیم. همه مردم حتی کودکان خردسال هم آنرا خوب میشناسند و میدانند که در مدتی بیش از ربع قرن چه بر سر ما آورده است.

این دشمن دچار ضربتهای سخت شده، مهمترین پایگاه خود را که دستگاه سلطنت استبدادی محمدرضا، باتمام ابزار جهانی اش بود، از دست داده و زخمهای دردناکی برپیکرش نشسته، اما هنوز از پای در نیامده و هنوز پایگاههای مهمی در اختیار دارد. هنوز عمال و جیره خواران آن در بین مردم و در اقطار واکناف کشور پراکنده اند. اینها یکبار نمائنده اند، بلکه باتمام قوای خود در تلاشند که انقلاب ما را از مسیر اصلی ضد امپریالیستی خود خارج سازند. حربه عمده آنها در این تلاش، پراکندگی نیروهای انقلاب است. و به همین جهت آنچه بتواند برای ایجاد تفرقه و جدائی بین این نیروها انجام میدهد: از «جپ» میتازند، از راست حمله میکنند، دست به حربه نفرت انگیز تروریزم میزنند، در کوچه پس کوچه ها، بمنظور ارباب مردم، آنها را ناچاراندرانه بگلوه می بندند. وهمه اینها حکایت از آن دارد که دشمن بیدار و فعالانه مشغول کار و عبارت بهتر سرگرم خرابکاری است، آنچه نه بنحو پراکنده، بلکه طبق یک برنامه حساب شده و از طریق یک سازمان منظم، که در آن از عناصر ساواکی تا عوامل سیاه ارتجاعی و بازماندگان رژیم طاغوتی شرکت دارند، عمل میکنند. اینها را پولهای یحسابی که بدست شاه و خاندان سلطنتی و انحصارات بزرگ و تاراجگر امریکائی از ما دزدیده و بیضا برده اند، اداره میکنند. باین پولهای بادآورده است که این دشمنان خلق از بین پستترین و رذلتترین عناصر وامانده برای خود سربازگیری میکنند.

در برابر این چنین دشمن قوی بنجه، کار آزموده، بیرحم و درنده خو، با کدام حربه موثر میتوان و باید وارد عرصه یبرد شد؟ این حربه موثر برای اکثر سازمانها و گروههای سیاسی ناشناخته نیست - حربه اتحاد عمل در خطوط کلی و اساسی مبارزه، تمرکز نیروها علیه دشمن اصلی انقلاب، قطع نظر از اختلافات سیاسی وایدئولوژیک این نیروها. اینرا تقریباً همه گفته اند و میگویند و برسر زبان همه است. در قطبنامه های مختلف روزهای پنجشنبه و جمعه هم باین اصل عمده توجه شده است.

ولی با تاسف تمام دیده میشود که در بسیاری موارد نحوه عمل برخی از این گروهها، با آنچه که در زبان راجع بوحدت واتفاق میگویند وموعظه میکنند، بنحو فاحشی تناقضی دارد.

بهتر است مثال را از تظاهرات دوروزه سوم و چهارم خردادماه انتخاب کنیم، تا روشن شود که بوحدت واتفاق کلمه و اتحاد عمل در مبارزه ضد امپریالیستی چگونه و بچه شکل نقض میشود و راهرا برای اختلافها و دودستگیها، که ما همواره سعی کرده ایم در دام آن نیفتیم، باز میگذارد. مطلب را باین سوال اساسی آغاز کنیم: هدف یگانه و اساسی این تظاهرات و آن انگیزه بنیادی که بار دیگر تمام مردم را در سراسر ایران بمیدان راه پیمائی اعتراض آمیز کشانید، چه بود؟ پاسخ روشن است: دخالت میکنند، بنحو فاحشی تناقضی دارد. بقیه در صفحه ۵

در کنفرانس استناداران چه گذشت؟

بدون برنامه و با معیارها و شیوه های دوران طاغوت پیشرفت میسر نیست

اولین کنفرانس استناداران سراسر کشور، پس از انقلاب، در ۲۵ اردیبهشت، «با کوله باری از مسائل و مشکلات و نیازمندیها» (وزیر کشور) در تهران گشایش یافت. در این کنفرانس مسائل متعددی درباره امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و نیازها و دشواریهای موجود در این زمینه ها، که تقریباً تمام مسائل و معضلات داخلی پس از انقلاب را در بر میگردد، مطرح گردید. با آنکه طرح این مسائل را میتوان خود بخود امری مثبت ارزیابی نمود، ولی این کنفرانس در پایان کار خود جز طرح پیشنهادها و توصیه هایی که بیشتر به امور جاری وموقت مربوط بود، کار دیگری نتوانست انجام دهد. دلیل آنهم این است که دولت آقای بازرگان، علاوه بر اینکه فاقد یک برنامه مشخص برای تحول بنیادی ویا ایجاد شرایط برای چنین تحول است، هنوز خود را از بند قوانین وضوابط وشبوه های دوران طاغوت رها نساخته و در عین حال مانند کسی عمل میکند که گویا از وضع ایران، نیازها، و دشواری های آن بی اطلاع است.

رویدادهای ایران

- حمله به کتابفروشیها
- استعفای آیت الله خلخالی و نگرانی مردم
- تلاش های سازمانده در رادیو تلویزیون
- خواب شومی که امریکا برای ایران می بیند
- سفارتخانه ها لانه ساواک بوده
- تلاش ضد انقلابی خبر-گزاریها

اطلاعیه

ما توسطه علیه جان حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی را محکوم می کنیم ا ما خواستار مقابله باتوطئه خطرناک نیروهای متحد امپریالیسم و ارتجاع هستیم

یکبار دیگر عمال امپریالیسم و رژیم گذشته، به سرکردگی امپریالیسم امریکا مرتکب جنایت تازه ای شده اند و این بار حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی را هدف قرار داده اند. مادر عین اینکه از نجات جان حجة الاسلام رفسنجانی از چنگ این توطئه خائنه شادمانیم، معتقدیم که این حادثه یک بار دیگر ما را باید متوجه آن دسائیسویمی سازد که امپریالیسم وارثان ایران، به سرکردگی امپریالیسم امریکاسازمانده آن هستند. این نیروها از هزار راه می کوشند تا انقلاب را از مسیر ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی خود خارج سازند و نیروهای انقلابی را بجان هم بیاندازند و باتوسل به تفتین، توطئه، شایعه افکنی، تهمت زنی، ترور، تفرقه اندازی و امثال این نوع شیوه های ابلهسی، جو زهر آگینی ایجاد کنند و مانع آن شوند که مردم ایران در فضای سالمی قانون اساسی نوینی برپایه ملی و دمکراتیک تنظیم نمایند. ما از رهبری انقلاب، شورای انقلاب و دولت به نوبه خود خواستاریم که اقدامات خود را برای عقیم گذاردن توطئه عظیم و خطرناک نیروهای متحد امپریالیستی و ارتجاعی، به سرکردگی امپریالیسم امریکادرجنداد کنند. ما از همه نیروهای انقلابی می طلبیم که برای مقابله باتوطئه های امپریالیسم وارثان به سرکردگی امپریالیسم امریکا، متحد شوند.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۵۸/۳/۵

«مردم» و شما

دوست عزیز الف. احمدی. نامه شما رسید. از مطلبی که فرستاده بودید، استفاده شد، ولی عکس متأسفانه قابل چاپ نیست. از شما و همه دوستان تقاضا می‌کنیم؛ اولاً عکس را سیاه و سفید بردارید تا نیاز قدرمکنست سفیدتر، یعنی روشن‌تر. و گرنه در چاپخانه کاملاً سیاه و غیر قابل رؤیت می‌شود. منتظر نامه‌های دیگر شما هستیم.

دوست عزیز، ع. گودرزی. دو یادداشت شما رسید. مطالب را تا حد امکان در نظر خواهیم گرفت. بخصوص مطالب مربوط به پذیرش را که دقت در آن کاملاً ضرور است. درشتی و ریزی عنوان‌ها برای تنوع صفحه و جلب نظر خواننده است و تاکنون مزاحم خودمطلب نشده است. دو نکته دیگر هم مربوط به صفحه‌بندی است و در صورت امکان انجام می‌شود. درباره یکسان شدن بهای روزنامه دفته قبل نوشتیم که مربوط به تعداد صفحات و تراکم مطالب است. دستتان را می‌فشاریم.

نامه خواننده عزیز د. ا. ف. رسید. در مورد شعر «گل بولاده» هیچگونه سوء تفاهمی وجود ندارد و در شماره بعدی «مردم»، اشتباهی که در چاپخانه روی داده بود، باپوزش خواهی، تصحیح شد. پیشنهاد شما درباره استفاده از چسب موکت برای الصاق کارت پستال رفیق روزبه و سایر تراکت‌ها را نیز به منظور بهره‌گیری هم‌درقا و هواداران که به چنین فعالیت‌هایی دست می‌زنند، به این ترتیب منعکس می‌کنیم. در مورد مهندسین و صنعت‌گران و همکاری آن‌ها برای پی‌ریزی سیستم صحیح صنعتی نیز پیشنهاد شما درست است و ما در کار تهیه و تدارک چنین برنامه‌هایی هستیم و البته هم‌اکنون نیز در جهت کمک به کارگران به منظور نصب و راه‌اندازی و تعمیر ماشین‌آلات همکاری می‌نمایند.

نوشتن کوچولو، شاگرد کلاس اول به دفتر «مردم» آمد و قلمک خود را روی میز در ورودی نهاد و گفت: «این کمک من است. دوستان ما در کنار در ورودی، از وی پرسیدند چند ساله است و آیا به مدرسه می‌رود و این که چیزی دارد به‌گویی یا به‌نویسد؟» او نوشت:

سه لیل را با یک کلاه ریخته روی کتری به ۴۰۰ ریال کویک
نرسیدن فولد کربن

و «مردم» سپاس می‌گوید.

خانم لاله ابراهیمی نامه شما در باره مطلب شماره ۱۲ «مردم» نشان می‌دهد که با تمام صداقت و حسن‌نیتی که دارید با روش و سیاست و مواضع حزب ما در باره انقلاب و آزادی و منجمله آزادی مطبوعات به درستی آشنا نشده‌اید و گرنه برایتان روشن می‌بود که پاسخ بسیاری از سئوالات که مطرح کرده‌اید منفی است. از آن به بعد در شماره ۱۴ مقاله مربوط به مطبوعات و در شماره ۱۵ مقاله مربوط به ۱۶ چاپ شده که حتماً تاکنون مطالعه کرده‌اید و به دقت، یعنی بدون پیشداوری و برای درک مواضع و نظریات ما آن‌ها را خوانده‌اید و در این صورت گمان می‌کنیم رفع هرگونه سوءتفاهمی شده باشد. خواهش می‌کنیم این موضع‌گیری‌ها را که اصول برخورد و نظریات ما را مطرح می‌کند بار دیگر بخوانید و اگر میل داشتید بازم برای «مردم» نامه بنویسید و نظر خود را بیان دارید. منتظربلا موفقیتهای شما را آرزو می‌کنیم.

رویدادهای ایران

حمله به کتابفروشیها

در روزهای اخیر از خرم‌آباد و چند شهر دیگر اخبار مربوط به حمله به کتابفروشیها رسیده است. این فاجعه در خرم‌آباد بسیار گسترده بوده است و گویا هفت کتابفروشی مورد تهاجم قرار گرفته است. با آنکه هیئت حاکمه کنگره هنوز مشخص نشده است. از روی شیوه عمل بر احوالی میتوان حدس زد که عوامل رژیم گذشته، با استفاده از احساسات عده‌ای از همه چیز بی خبر در وجود آمدن حادثه نقش اصلی را داشته‌اند. بی شک نمیتوان این حادثه را تعمیم داد و از آن برداشتی خاص کرد اما مسئولان دولتی و کمیته‌ها و پاسداران در سراسر ایران وظیفه دارند که از گسترش چنین عملی جلوگیری کنند و بقول معروف این عمل را در نقطه خفه کنند.

استغفای آیت الله خلخالی و نگرانی مردم

خبر مربوط به استغفای آیت الله خلخالی حاکم شرع با آنکه خوشبختانه مورد قبول قرار نگیرد و هرگونه نگرانی را از باب این استغفا و احتمالاً انکاس آن روی ادامه کار دادگاههای انقلابی بر طرف کرد، با تعجب و تأسف همه موهن پرستان روبرو شد.

اظهارات آقای یزدی وزیر امور خارجه درباره سمت آقای خلخالی در دادگاههای انقلابی و پاسخ و استغفای آقای خلخالی بدنبال آن، انگیزه این تأسف و تعجب بود. ما صرف نظر از هر سلیقه شخصی که در باره نحوه کار دادگاههای انقلابی وجود داشته باشد، اعلام میداریم که کار دادگاههای میبایست ادامه یابد و از انقلابیون مقتدری نظیر آیت الله خلخالی برای ادامه کار این دادگاهها میبایست استفاده شود. سخنان وی در باره خاندان پهلوی و همدستان شاه مخلوع و حکم اعدام این تباهاکاران مورد تأیید خلق پیاخته ایران است و نباید موجب نگرانی برخی از مسئولان اجرائی سیاستهای دولت شود.

تلاش‌های سازنده در رادیو و تلویزیون

بر اساس اخباری که منتشر شده، تلاشهایی در رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی ایران آغاز شده تا جدائی‌ها و برخوردها پایان یابد و این وسیله بسیار مهم ارتباط جمعی، که بعد از پیروزی انقلاب آنچنان که میتوان و میبایست نتوانسته است در خدمت انقلاب درآید، واقعا بخندم مردم و انقلاب گرفته شود. گله حضرت آیت الله طالقانی از کمبودهای این وسیله ارتباط جمعی از بعد از پیروزی انقلاب و لزوم پاکسازی آن در جهت خدمت بیشتر به انقلاب نیز بر این تلاشها افزوده است. گفته میشود که مذاکراتی بین کادرهای ثابت و قدیمی این وسیله ارتباطی جمعی با سرپرست آن شروع شده است. ما بارها درباره شیوه اداره کردن این وسیله ارتباط جمعی تأکید کرده‌ایم که میتوان آنرا بصورت هیئت امناء و یاشورائی منتخب دولت مردم‌دار کرده و هدفهای دراز مدت و کوتاه مدت آنرا در جهت تحکیم دستاوردهای انقلاب در اختیار گردانندگان و مردم گذاشت.

خواب شومی که آمریکا برای ایران می‌بیند

در حالیکه برخی از نیروهای ارتجاعی تلاش میکنند که جنگ مذهبی و غیر مذهبی و باصطلاح چپ و راست‌راه بیا نازند و در هر فرصتی از حمله به تظاهرات و گرد هم آئی‌ها استفاده میشود، جرال فورد رئیس جمهوری سابق آمریکا در باره شاه مخلوع اظهار نظرهایی کرده است که بسیار شنیدنی و خواندنی است. این سخنان از جهتی دیگر میبایست برای آندسته‌ای قابل توجه باشد که آمریکا و ارتجاع و بازماندگان رژیم سرنگون شده پهلوی را فراموش کرده‌اند و جنگ حیدری نعمتی را دامن می‌زنند و رویای آنرا در سر می‌پرورانند و این تا کید مستمر رهبر انقلاب را که حفظ وحدت کلمه است، فراموش میکنند. آقای جرال فورد گفته است که شاه ایران اجازه دارد در آمریکا زندگی کند. شاه اگر در ایران همچنان قدرت داشته باشد، آمریکا از نفت بیشتر برخوردار خواهد شد. در جریان جنگ ۱۹۷۳ خاورمیانه شاه با تأمین وسائل جنگی اسرائیل باین کشور کمک کرد و در آن دوره به آمریکا نیز یاری داد. اگر ایران همچنان زیر کنترل شاه باشد، ما به جای یک یا یک و نیم میلیون بشکه که امروز از ایران دریافت میکنیم، ۵/۵ میلیون بشکه نفت وارد خواهیم کرد. می‌بینید که آمریکائون رویای خوش کنترل ایران توسط شاه مخلوع را در سر می‌پرورانند. حال اگر بطور مستقیم نشد، بطور غیر مستقیم، لازم است یاد آور شویم که آقای جرال فورد از بانفوذترین سیاستمداران آمریکاست.

از میان ده‌ها و ده‌ها گفت‌وگوی و پشتیبانی کنید.

- تلفنی تلفن زنک می‌زند:
- آلو؟
- بله!
- دفتر روزنامه مردم؟
- بنی‌مائید!
- آقا، صفحه ۵ روزنامه اطلاعات را خوانده‌اید؟
- روزنامه هنوز به دفتر نرسیده است.
- پس گوش کنید، برایتان می‌خوانم:

«آیت‌الله طباطبائی طی پیامی تقاضای تبرع و عطا و غفو و اغماض در مورد متهمین رژیم سابق نموده... و چنانچه مجازاتی بر حسب شرع انور جایز بلکه لازم باشد، ولی اسلام را در نظر اهل دنیا بد جلوه دهد و موجب هتک آن شود، باید اجرای مجازات با دقت تمام مورد توجه و احیانا از آن صرف نظر شود...»

می‌بینید آقا؟ از چپ و راست به دادگاه‌های انقلاب حمله می‌شود. ببخشید چپ گفتیم، من چپی جدی جز شما نمی‌شناسم. ضمناً عرض کنم که من حتی از هواداران حزب توده هم نیستم، ولی عقل دارم، انصاف دارم، می‌بینم که شما دادگاه‌ها را تنها نگذاشته‌اید. خواهش می‌کنم اینست همانطور که تا به حال عمل کرده‌اید، بازم از دادگاه‌ها حمایت

تلاش ضد انقلابی خبرگزاری

تعدادی از خبرگزاری‌های خارجی، که وابستگی‌های مستقیم و غیر مستقیم به امپریالیسم دارند و در جهت سیاستهای استعماری کشورهای سرمایه‌داری فعالیت میکنند، همچنان به جعل اخبار و مخا بره خبرهای دروغ و تحریک آمیز ادامه میدهند و دوشادوش این کشورها به‌دگرگون جلوه دادن انقلاب ایران ادامه میدهند. این شیوه عمل غیر انسانی این خبرگزاریها، برای آنها که از نزدیک دستی بر آتش دارند، چندان عجیب نیست، زیرا نمونه‌های مکرر آنرا هم درباره ایران و هم درباره کشورهای دیگر که خلق آن پیاخته تاحاکم بر سر نوشت خود باشد، بکار برده‌اند. درباره این نوع خبرپرانی شاید هنوز میلیونها ایرانی اخبار مربوط به مصاحبه آیت‌الله العظمی امام خمینی را در باره ترور استاد مطهری بخاطر داشته باشند و یا خبر مربوط به اظهارات آقای قطب‌زاده سرپرست تلویزیون جمهوری اسلامی ایران را که با تیتربزرگ در روزنامه‌های ایران بچاپ رسید، هنوز از ذهن خیلی‌ها نرفته باشد. منظور مخا بره این اظهار نظر دروغ بود که گویا شوروی روی امواج رادیویی ایران پارازیت می‌اندازد، که از سوی خود آقای قطب‌زاده تکذیب شد و خبر آن نیز در جراید منعکس گردید. آخرین دسته‌گلی که این خبرگزاریها به آب داده‌اند، تفسیری دروغ و نادرست درباره اظهار نظر حزب توده ایران درباره آزادی مطبوعات است که روزنامه آیندگان آنرا با تیتربزرگ توده ایران و درخواست محدودیت آزادی مطبوعات چاپ کرده است.

همانطور که گفتیم، آنها که از نزدیک دستی بر آتش دارند، بخوبی از هدفهایی که این خبرگزاریها با انتشار و مخا بره خبرهای دروغ و تحریک آمیز دارند، باخبرند. اما آنچه برای ما نامفهوم است و باعث دردسرساز میشود، دلیل انتشار این اخبار جعلی و تحریک آمیز توسط روزنامه‌های ایران و یا رادیو تلویزیون ایران است. که در این لحظات حساس که سر نوشت ایران و آیندگان آن به اتحاد و همبستگی خلق بستگی دارد، قابل انتقاد است. برای ما تعجب آور است که وقتی روزنامه‌ها این امکان را دارند که اخبار خبرگزاریها را با منابع خبری در میان بگذارند و خبری صحیح را منعکس کنند، بطور مستقیم و بدون نظر خواهی دست به انتشار چنین اخباری می‌زنند. برای نمونه بر احوالی این امکان وجود داشت که خبر مربوط به مصاحبه آقای قطب‌زاده و این اظهار نظر جعلی را که ایشان گفته است شوروی روی امواج رادیویی ایران پارازیت می‌اندازد، با خود ایشان، که فقط زحمتی یک تلفن بود، در میان گذاشته شود و یا خبر مربوط به محدودیت آزادی مطبوعات که گویا حزب توده ایران بر اساس گزارش خبرگزاری فرانسه خواهان آنست، با دفتر روزنامه مردم در تهران در میان گذاشته شود و یا به اصل مطلب، که در روزنامه مردم چاپ شده و خبرگزاری فرانسه گویا بر اساس آن خبر مخا بره کرده است، مراجعه گردد. این سؤال مطرح است که روزنامه آیندگان، اگر چنین مطلبی برایش اینهمه اهمیت داشته، چرا مستقیماً و قبل از آنکه خبرگزاری فرانسه چنین خبر جعلی را مخا بره کند، از این مطلب، با استناد به روزنامه مردم، استفاده نکرده است؟ با شناختی که از خبرگزاریها و نمایندگی رادیوهای کشورهای امپریالیستی وجود دارد و اینکه بارها و بارها هدفهای ضد انقلابی آنها بر ملا شده است، ما یکبار دیگر به همه دست‌اندرکاران روزنامه‌ها، مجلات و رادیو و تلویزیون هشدار میدهم که با این وسواس و دقت نظر به اخبار مربوط به ایران که توسط خبرگزاریهای کشورهای امپریالیستی منتشر میشود، برخورد کنند و این واقعیت را بی‌وقفه در نظر داشته باشند که حفظ وحدت همه نیروهای انقلابی یگانه و وثیقه تحکیم دستاوردهای انقلاب است، و این همان چیزی است که امپریالیسم بجهانی، بر سر کردگی آمریکا، از آن مطلع است و با تمام نیروهای خود، از جمله خبرگزاریهای خود، به میدان آمده است تا راه این اتحاد را به هر شکل ممکن، سد کند انتشار اخبار تحریک آمیز و جعلی از جمله همین تلاشهاست.

سفارتخانه‌ها لانه ساواک بوده

انتشار خبر مربوط به کشف دستگاههای عظیم جاسوسی ساواک در سفارت ایران در بن، یکبار دیگر این نظر همه موهن پرستان و آزادیخواهان ایران را تأیید کرد که سفارتخانه‌های ایران در سالهای حکومت شاه - ساواک بر ایران، لانه جاسوسی بفتح امپریالیستهای جهان‌نخوار به سرپرستی امپریالیسم آمریکا بوده است و میبایست در سیستم اداری و وزارت خارجه و پاکسازی بیسادی آن هر چه زودتر اقدام شود و هم‌زمان با این پاکسازی، عملیات ساواک در این زمینه برای آگاهی هر چه وسیعتر مردم از جنایات ساواک منتشر گردد.

مراسم بزرگداشت روزبه در سراسر کشور

روز ۲۱ اردیبهشت، مراسم ۲۱مین سالگرد شهادت خسرو روزبه، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و قهرمان ملی ایران، در سراسر کشور برگزار شد. هواداران حزب توده ایران در پوشش طی مراسمی از شهید قهرمان تجلیل کردند. در محل برگزاری مراسم تصویر شهیدان حزب و گروه منشعب فدائی با بیوگرافی کوتاهی نصب شده بود. پوستر بزرگ رفیق روزبه، با نقل قولهایی از او نیز اینجا و آنجا بچشم می‌خورد. مراسم در ساعت ۴ آغاز شد. نخست پیرامون زندگی، مبارزه و شهادت روزبه سخنرانی ایراد شد و سپس سرود حزب توسط گروهی از دختران و پسران هوادار حزب خوانده شد. * در بندرگز یک گروه از هواداران حزب بانام «گروه رفیق روزبه» برای تجلیل از شهادت قهرمان ملی ایران اعلامیه‌ای انتشار دادند، که در آن ضمن اشاره به زندگی و مبارزه روزبه گفته شده است:

خسرو روزبه ضمن پر شور ترین دفاعیات، جنایت‌ها و خیانت‌های دستگاه حاکمه شاه را به محاکمه کشید و محکومشان کرد و حکم را به تاریخ سپرد تا بدست مردم ایران اجرا شود.

* در دانشگاه ادبیات دانشگاه شیراز نیز روز ۲۱ اردیبهشت مراسم یادبود عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و قهرمان ملی ایران برگزار شد. از یک هفته قبل تصویر روزبه در سراسر شهر یرد دیوارها نصب و آگهی بزرگداشت این قهرمان شهید پخش شد. در این مراسم طبقات و قشرهای مختلف مردم شرکت داشتند، و علاوه بر شیرازی‌ها، اهالی شهرهای دیگر فارس نیز عده‌ای آمده بودند.

مراسم با سرود حزب «حزب ما توده را سازد پیروز» آغاز شد و سپس با احترام روزبه یک دقیقه سکوت اعلام گردید. در این هنگام یکی از آموزگاران شعری قرائت کرد. بعد از آن یکی از کارگران قدیمی عضو شورای متحده مرکزی و از اعضاء حزب توده ایران، در باره رزمندگی بزرگ جنبش کارگری ایران و همین پرست بر جسته خسرو روزبه مطالبی بیان داشت. به دنبال سخنرانی، دو قطعه شعر و گفتاری پیرامون چگونگی شرایط پدید آمدن شخصیت بزرگ و از جان گذشته‌ای چون خسرو روزبه، قرائت شد. در این مراسم تعداد زیادی از کتب و نشریات حزبی بفروش رسید.

* در میدان برق شهر بندرعباس، به مناسبت بیست و یکمین سال شهادت خسرو روزبه، تصویر قهرمان ملی ایران و قتی چند از شهیدان حزب در معرض دید همگان قرار گرفت و از آن استقبال بعمل آمد.

ای عمومی

ای عمومی، شاه باش مثل حاضر بر تو بساد شاه باش و هم درود نو جوانان بر تو بساد قهرمان استقامت، مظهر مردانگی یاد تو انگیزه رزم و صفا و زندگی افتخار حزب توده، افتخار توده‌ها نام نیکت رهنمای پایداری و صفا تیغ ایمان را به فرق دشمنان خلق ما آختی همچون علی بر نوکران، بی بها در کنار روزبه، آن قهرمان نامدار منت ملت گوفتی بر ارتجاع ناپاک سالها زحمت کشیدی، نقد جان را با ختی تا به ما ایمان پاک و مردمی آموختی گرچه تو مردانگی از توده‌ها آموختی لیک رسم و راه رزمیدن به ما آموختی آفرین بر قدرت ایمان تو قلب مرجعانی بسود مساوی تو سیدیچی مرجعانی

اخبار کارگری

تحصین کارکنان هتل بین‌المللی

کارکنان هتل بین‌المللی، به عنوان اعتراض به اخراج خود، برای دومین بار از روز ۲۹ اردیبهشت ماه دست به تحصین زدند. اخراج کارکنان بدنبال تعطیل هتل انجام شده است. متحصنین ضمن تقاضای گشایش دوباره هتل، خواستار بازگشت به سر کارهای سابق خود شده‌اند. آنها همچنین پاک‌سازی هتل از عناصر ضد کارگری و وابسته به کارفرما، افزایش حقوق‌ها و پرداخت هرچه سریع‌تر حقوق و مزایای عقب‌افتاده خویش را در یک بیانیه ۵ ماده‌ای گنجانده‌اند.

مهلت ۱۰ روزه کارگران شهرداری

رانندگان و کارگران شهرداری تهران، بعنوان اعتراض به حذف اضافه کاری خود، از شنبه گذشته در محوطه شهرداری بست نشستند. کارگران از تخلیه زباله‌هایی که از سطح شهر جمع‌آوری کرده بودند، خودداری کردند. مسئولان شهرداری و وزارت کار پس از بررسی خواست کارگران متحصن، ۱۰ روز مهلت اعلام کردند تا به این تقاضا پاسخ گویند و کارگران تأکید کردند، در صورتیکه پس از مهلت مقرر همچنان از پرداخت اضافه کار آنها خودداری شود، دوباره دست به تحصین و اعتصاب خواهند زد.

اعتصاب کارکنان اتوبوسرانی آبادان

کارکنان اتوبوسرانی آبادان، بعنوان اعتراض به شرایط کار خود، از روز ۳۱ اردیبهشت ماه دست به اعتصاب زدند. کارکنان اعتصابی در نامه‌ای که برای شهردار آبادان فرستاده‌اند، خواسته‌های خود را به این شرح ذکر کرده‌اند:

- تغییر تاریخ صدور احکام و اجرای آن از زمان تاسیس اتوبوسرانی آبادان،
- پرداخت ۱۵۰۰ ریال کمک بعنوان کرایه مسکن،
- ادغام کارگزینی اتوبوسرانی آبادان در شهرداری،
- افزایش دستمزد روزانه،
- عضویت در شرکت تعاونی مسکن شهرداری،
- استفاده از یک وعده غذای رایگان در روز،
- افزایش مرخصی سالانه از ۱۲ روز به ۲۵ روز،
- پرداخت ۷۵۰۰ ریال درماه و ساختن استراحتگاه در ابتدا و انتهای خطوط اتوبوسرانی.

اجتماع کارگران در مقابل استانداری شیراز

کارگران کارگاه اسفالت سازی فورش، واقع در جاده کتک شیراز، روز ۲۶ اردیبهشت ماه، برای گرفتن حقوق عقب‌افتاده خود در مقابل استانداری شیراز اجتماع کردند.

کارگاه فورش از جمله مراکزی بود که در جریان انقلاب، همراه بادیگر مراکز و محل‌های بهایی نشین یا متعلق به بهایی‌ها به آتش کشیده شد. در نتیجه از آن هنگام تاکنون، کارگران این کارگاه، که قریب به صد نفر هستند، بیکار شده‌اند. صاحب کارگاه در جریان انقلاب فرار کرده و اکنون امور آن را پدرش بهمه دارد، که سعی می‌کند کارگران را عامل حریق معرفی کند و این تلاش مذموبخانه مورد اعتراض جدی کارگران است که می‌گویند «کارگر محل کارش را آتش نمی‌زند» یکی از کارگران می‌گفت: -

صاحب کارگاه در جریان ماههایی که کار جریان داشت، از آنها حق بیمه کسر می‌کرده، اما اقدامی جهت بیمه کردن کارگران بعمل نیاورده است.

کارگران کارخانه ماشین‌سازی پارس (اهواز) خواهان ملی کردن کارخانه هستند

از کارخانه ماشین‌سازی پارس، در اهواز، گزارشی رسیده، مبنی بر اینکه در حدود شش هزار نفر از کارگران ماشین‌سازی پارس (وابسته به صنایع فولاد)، به علت عدم دریافت حقوق فروردین ماه و اضافه حقوق سال قبل دست به اعتصاب زده‌اند. گروهی از کارگران مبلغی بیش از ۳۷۰ هزار تومان از فروش لوازم زندگی خود جمع‌آوری کرده‌اند تا به کارگران اعتصابی از این راه کمک مالی کنند. نمایندگان کارگران تا کنون با اداره کار، کارفرما و نمایندگان ستاد کارگری امام در اهواز مذاکراتی کرده‌اند، اما هنوز نتیجه‌ای نگرفته‌اند. نمایندگان کارگران اعتصابی در نشست که با نمایندگان کارفرما و ستاد کارگری امام در اهواز داشته‌اند، ضمن دفاع از حقوق کارگران، خواستار ملی شدن واحد صنعتی ماشین‌سازی پارس شده‌اند.

کارگری سؤال می‌کند: چرا از پخش نشریات حزب توده ایران در کارخانه ایران جلوگیری می‌شود؟

رفیق کارگری از کارخانه ایران کف-رشت با چنین مینویسد: با درود فراوان! من کارگر ساده‌ای هستم که در کارخانه ایران کف رشت کار می‌کنم. چون شماره حزب خود می‌دانم، لازم دیدم برای شما نامه بنویسم:

در کارخانه ما از پخش نشریات و اعلامیه‌های کمونیستی چه از سازمان فدائیان خلق و چه از حزب توده ایران، جلوگیری می‌کنند فقط پختی نشریه‌ها و اعلامیه‌های اسلامی آزاد گردیده است. البته ما کارگران اسلام‌پرانی نمی‌کنیم و در روزنامه مردم شماره ۱۲، شنبه ۲۳ اردیبهشت ماه، زیر عنوان «حزب توده ایران و مذهب» مقاله‌ای انتشار یافته، که کاملاً نظر ما را منعکس می‌کند. حزب توده ایران حزب طبقه کارگر است و کارگرانی که مذهبی‌ها هستند، می‌توانند عضو این حزب بشوند. برای من چنین سؤالی مطرح است: چرا باید از نشریات حزب توده ایران که مداخله منافع کارگران و پرچمدار مبارزه علیه استعمار است، جلوگیری شود؟

تحصین کارگران شرکت انترپوز

صدها تن از کارگران شرکت «انترپوز» که از مدتها پیش اخراج شده‌اند، با خواست دریافت حقوق، در محل ساختمان مرکز این شرکت در خیابان آناهول-فرانس (خیابان شرقی دانشگاه تهران) تحصین شدند. کارگران اخراجی، در زمان اشتغال، در بخش جوشکاری خط لوله‌کاری کردند و اکثر آنها کارگران فنی و متخصص‌اند. شرکت «انترپوز» یک شرکت مختلط فرانسوی - ایرانی است.

در کنفرانس استانداران

بقیه از صفحه ۱

ریزی در اتاقهای در بسته در مرکز، اشتباهی است که در دوران گذشته نیز میشد. استاندار آذربایجان شرقی اعلام می‌کند: «بودجه فعلی که تنظیم شده محافظه کارانه‌تر از بودجه قبلی است، موجب هیچ تغییر انقلابی نخواهد شد، حال آنکه مردم انقلاب کرده و تغییر می‌خواهند».

استاندار گیلان ضمن تشریح مواد دست و پاگیر حکومت قبلی، که در حال حاضر نیز مانع انجام کارهای انقلابی است، می‌گوید: «تواضع و مواردی که از طرف استانداران پیش‌بینی میشود، معمولاً مورد توجه سازمان برنامه قرار نمی‌گیرد».

استاندار آذربایجان شرقی جای دیگر می‌گوید: «وزارت صنایع و معادن باید یک خط مشی کلی در زمینه کارخانه‌های دولتی و خصوصی ارائه دهد».

استاندار چهارمحال و بختیاری می‌پرسد: «شما با سرمایه‌داران چه می‌خواهید بکنید، چرا برای پرداخت حقوق کارگران از وجود آنها استفاده نمی‌شود، چرا سرمایه‌داران را مجبور یاب نوع پرداختها نمی‌کنید؟ سپس اضافه می‌کند: «دولت باید سیاست خود را در زمینه صنایع و معادن و زمین روشن کرده و بما بگوید تا بتوانیم راه حل‌های پیشنهادی خود را ادامه دهیم».

استاندار خراسان تأکید می‌کند: «اگر بطور قاطع عمل شود و به استانداران اختیار کافی داده شود، خواهید دید که چگونه مشکلات حل میشود» و سپس هشدار میدهد: «وقتی با مردم از قسط و برابری سخن می‌گوئیم، مادامکه جامعه ما در استعمار شدید است، آنها را فریب داده‌ایم... در حال حاضر غارتگران این مملکت را رباخواران سرا می‌هستند، ما ساواکی‌ها را اعدام می‌کنیم، ولی ساواک، باز سر جای خودش ایستاده است. ثروت و این پول غارت شده از ملت را باید از غارتگران گرفت» و تکلیف انقلاب را باید باینکه اجتهاد انقلابی در تبدیل ثروتها روشن کرد. ثروت‌های زیاد جامعه را به فساد و تبذیر و فحشا می‌کشاند و این درآمد است که ساواک ساز است. اگر باز اجازه داده شود زیر چتر جمهوری اسلامی این ثروتها انباشته بماند، باید فاتحه انقلاب و قسط و عدل اسلامی را خواند».

اما کسانی که مسئولیت مستقیم حل این مسائل و پاسخ به آنها را دارند، چه می‌گویند؟ وزیر کار و امور اجتماعی معتقد است که «پیش از آنکه نمایندگان ملت تکلیف مالکیت را تعیین کنند، نمیتوانیم سیاست قاطعی داشته باشیم». وزیر صنایع و معادن می‌افزاید: «باید منتظر قانون اساسی بود که تکلیف مالکیت را روشن کند».

و بالاخره وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه، آب پاکی روی دجای آنکه دست کمک بسوی دولت دراز کنید، از مردم کمک بخواهید و اگر بدولت اعتماد دارید، از خودتان مایه بگذارید» (۱)!

از اینجاست که استاندار سیستان و بلوچستان اشک در چشم ناله می‌کند: «ما قبل از این کنفرانس باید حمایت از تهران خوشحال بودیم، لیکن در آخرین روز کنفرانس من اعلام می‌کنم که حتی دل و جرات خود را برای ادامه کار از دست داده‌ام».

با در نظر گرفتن این واقعیت‌های تلخ است که معاون وزارت کشور، که ریاست جلسات کنفرانس را بهمه داشت، اعلام میدارد: «انقلاب فرهنگ خودش را می‌خواهد، اگر انقلابی اتفاق افتاده، گفته‌اند، باید قوانین، زبان، فرهنگ و معیارهای مربوط به انقلاب داشته باشد».

در حالیکه می‌بینیم همان زبان، معیار و روش گذشته است که اعمال میشود. در جلساتی که گذشت و وزیران مربوطه به مسائل مختلف در آن شرکت کردند، هر کدام محدود قدرت خودشان را کوچک و کوچک کردند. و ما توصیه کردند که با چشم گریان به جوانان بگوئیم که نداریم... نباید در اتاقهای در بسته بدون اطلاع برای نقاط مختلف تصمیم‌گیری کرد... پاروشی که اتخاذ شده بزودی از میزان محبوبیت دولت کاسته شده... از مقررات گذشته که کار را به فاجعه کشاند باید چشم پوشید... از دستگاه دیوان‌سالاری شما هیچ کاری بر نیاید. سازمان برنامه و سایر وزارتخانه‌ها هیچیک مشخصه خاص شرایط انقلاب را ندارند».

انقلاب ایران، انقلابی بود علیه امپریالیسم و علیه رژیم استبدادی، امپریالیسم و رژیم دست‌نشانده آن عواملی بودند که مانع پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی کشور ما بودند. برای تأمین این پیشرفت باید تمام نهادها و مظاهر سلطه امپریالیسم و استبداد را از میان برداشت. هرگونه چشم‌پوشی و اغماض، مسامحه و گذشت در این امر مهم، انقلاب را به پی‌نمیری و سترونی خواهد کشاند. پیگیری و قاطعیت در ریشه کن کردن تمام نهادها و مظاهر رژیم که مانند تنه درختی بر افتاده، ولی هنوز ریشه کن نشده، عهده‌ترین و مهم‌ترین وظیفه یک دولت واقعا انقلابی است.

دولت موقت آقای بازرگان با ستند اینکه این دولت، یک دولت انتقالی است، از اقدام قاطع علیه بقایای سلطه امپریالیسم و آثار و بازمانده‌های رژیم سابق خودداری میکند. همانطور که در کنفرانس استانداران منعکس شد، قوانین و اصول و موازین و ضوابط دوران رژیم بر افتاده پهلوی، که مابق گسترش ابتکار و اقدام انقلابی است، هنوز دست و پای مجریان را می‌بندد. این دولت از اقدام علیه سرمایه‌داران خائنی که سالها مردم ایران را غارت کرده و اکنون با میلیونها و میلیاردها ثروت نامشروع خود به دامن اربابان خود در خارج پناه برده‌اند، به بهانه اینکه مسئله مالکیت را قانون اساسی جدید باید حل کند، خودداری می‌ورزد. ولی، اگر هم بتوان گفت که برای حل مسئله مالکیت بطور کلی، باید منتظر تصویب قانون اساسی جدید شد، این مسئله هیچ ارتباطی با «مالکیت» ممتی غارتگر و خائن فراری ندارد. مگر دادگاه‌های انقلاب برای مصادره «اموال» شاه و القانیان و خرم و نظایر این جانیان غارتگر، بر پایه قوانین و ضوابط دوران پهلوی عمل میکنند و یا منتظر قانون اساسی جدید هستند؟ شکست آنکه دولت موقت نه تنها علیه این سرمایه‌داران اقدام نمی‌کند، بلکه نقش نامیمون قیومیت آنان را نیز بهمه می‌گیرد و چه بسا دادگاه‌های انقلاب را، به علت پیگیری و قاطعیت‌شان، مستقیم و غیرمستقیم زیر فشار و مورد سرزنش قرار میدهد. معلوم نیست این دولت موقت که هنوز قوانین و ضوابط دوران پهلوی را، چه در امور سیاسی و چه در امور اجتماعی و اقتصادی، بقوت خود باقی میداند، بر سر کار آمدن خود را چگونه توجیه میکند؟

دولت انقلابی از آنجست موقت و انتقالی نیست که باید ادامه دهنده سیاست‌ها و شیوه‌های رژیم سرنگون شده باشد، بلکه از آنجست انتقالی است که باید با ایجاد شرایط عینی و ذهنی، راه را برای دوران پیشرفت، بر پایه بنیان‌ها و اصول قوانین انقلابی جدید هموار سازد، و این کار جز از راه زیر پا گذاشتن معیارهای کهنه و فرسوده رژیم سابق میسر نیست. آقای بازرگان، که در حساس‌ترین

لحظات تاریخ، سکان کشتی درهم‌شکسته ایران را بدست گرفته، نباید از دکم و کیف مشکلات و راه حل، آنها اطلاع کافی نداشته باشد و کارها را به دامن خدای بسپارد. و اگر در واقع چنین است، حق نداشت که این مسئولیت بزرگ و سرنوشت‌ساز را بهمه بگیرد. آقای بازرگان، یا به علت این بی‌اطلاعی و به علت عدم توانایی، برنامه سنجیده و حساب‌شده‌ای برای ایجاد تحولات انقلابی در ایران ندارد. و این از کسی که سالها در مبارزه شرکت داشته و داعیه شرکت در رهبری جنبش و انقلاب را نیز دارد و یا لاقلاً خود را لایق و مسئول تحقق آرمان‌های انقلاب میداند، کاملاً بعید و شگفت نظر میرسد.

کنفرانس استانداران بار دیگر نشان داد که تأمین پیشرفت سریع و همه‌جانبه کشور، تأمین منافع مردم ایران، بخصوص توده زحمتکش، بدون یک مبارزه پیگیر و قاطع با امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی، بدون یک برنامه سنجیده علمی، بدون شرکت فعال توده وسیع، بدون بهره‌گیری از نظریات و برنامه‌های مثبت و سازنده تمام نیروهای راستین انقلاب کاری است که، اگر محال نباشد، لاقلاً بسیار دشوار است.

حزب توده ایران، تنها سازمان سیاسی است که برای دوران سازندگی انقلاب نیز برنامه مشخصی برای تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تنظیم کرده و بصورت پیشنهاد در معرض افکار عمومی و تمام سازمان‌ها و احزاب سیاسی گذارده است. حزب توده ایران برای بررسی هر پیشنهاد و برنامه‌ی دیگری، که بتواند پایه‌ای برای همکاری در جنبه متحد نیروهای خلق باشد، همیشه آماده بوده و هست.

پوزش و تصحیح

در شماره ۱۶ «مردم»، در بخش «رویدادهای ایران»، در انعکاس خبر مربوط به «مراسم سالگرد شهادت روزیه در بوشهر» اشتباهی رخ داده است که، با پوزش، بدینوسیله تصحیح میشود: در خبر گفته شده است که «در آخر برنامه، به سؤالات مطروحه از سوی شرکت کنندگان بوسیله دکتر زرکش پاسخ داده شد، که متأسفانه این قسمت برنامه به علت حرکت یک‌عده اخلال‌گر، بقصد برهم زدن مراسم، به طرف محل برگزاری مراسم، نیمه‌کاره متوقف گردید».

خبر دقیق اینست که از کمیته به سازماندهندگان مراسم اطلاع دادند که بیم حمله از جانب عده‌ای می‌رود و باید مراسم را تمام کنید. به اینجهت مراسم نیمه‌کاره متوقف گردید، ولی مزاحمتی از جانب کسی انجام نگرفت.

خواهی از رفقای حزبی و هواداران و دوستان حزب بسیاری از رفقای حزبی و هواداران و دوستان حزب، در زمینه‌های گوناگون برای «مردم» خبر می‌فرستند، که موجب تشکر فراوان است.

«مردم» بر اساس اطمینان و اعتمادی که به رفقا و هواداران و دوستان دارد، از این خبرها استفاده میکند. ولی متأسفانه تاکنون چند مورد پیدا شده، که خبرها دقیق نبوده است. از آنجا که «مردم» جز تکیه به این اطمینان و اعتماد، امکان دیگری برای کنترل خبرها ندارد، و از آنجا که «مردم» روزنامه‌ای است مسئول و صاحب نفوذ و اعتبار، از همه رفقای حزبی و هواداران و دوستان حزب خواهشمندیم که در کسب و تهیه خبر دقت کامل مبذول دارند تا هم خبر بدرستی منعکس گردد و هم مسئولیت، نفوذ و اعتبار «مردم» محفوظ بماند. با سپاس

«مردم»

بقیه از صفحه ۱

امپریالیسم امریکا دشمن...

و یاد در برابر جوخه‌های اعدام به قتل رساندند. این مستشاران و کارشناسان نظامی امریکا بودند که نقشه شیطانی بمباران تهران و سایر شهرهای کشور را با هدف نابود کردن هزاران هزار مردم بیگناه، که علیه رژیم طاغوتی قیام کرده بودند، طرح ریزی کردند. این کارتر رئیس جمهوری امریکا و دولت امریکا بودند که تا آخرین روز از شاه مخلوع، این جلاد خلقهای ایران، حمایت و پشتیبانی میکردند.

امپریالیسم امریکا از نخستین روز پیروزی انقلاب مردم ایران لحظه‌ای هم از دستش نماند و توطئه‌ها و تحریکات و خرابکاری، چه مستقیم و چه بوسیله عمال سرسپرده خود و بازمانده‌های رژیم شاه مخلوع و آدمکشان ساواکی، علیه انقلاب مردم ایران و دستاوردهای آن، از نیا نیاستاده است. این عمال امپریالیسم امریکا هستند که به ایجاد تفرقه و خرابکاری در میان اقشار مختلف خلقهای ایران در نواحی مختلف کشور می‌پردازند و بر سر راه پیشرفت انقلاب مانع ایجاد کرده و دستاوردهای انقلاب را تهدید میکنند.

تصمیم دولت امریکا مبنی بر تشکیل نیروی ضربتی صد هزار نفری برای اعزام به منطقه خلیج فارس از اقدامات مداخله‌گرانه نظامی امپریالیسم امریکاست، که درست علیه انقلاب ایران و تهدید استقلال و امنیت میهن ما اتخاذ شده است. بدنیال همین تصمیم است که سنای امریکا به حملات تبلیغاتی و سیاسی علیه انقلاب ایران می‌پردازد و عملاً در امور داخلی کشور ما گستاخانه مداخله میکند.

دفاع و حمایت سنای امریکا از یک مشت تبهکار و خائن به مردم میهن ما، که بوسیله دادگاههای انقلابی به مکافات جنایات و اعمال پلید خود می‌رسند، در واقع حمایت و پشتیبانی از منافع و مواضع اقتصادی و سیاسی و نظامی از دست رفته امپریالیسم امریکا و صهیونیسم است، که بدست این مزدوران و مستشاران و کارشناسان امریکائی و اسرائیلی در ایران حفظ و حراست میشود.

پیروزی انقلاب مردم ایران علیه رژیم خود فروخته شاه مخلوع و سلطه استعماری امپریالیسم امریکا پس از شکست نسبی این امپریالیسم جهان‌نوا در ویت‌نام، بزرگترین ضربتی است که بر مواضع نظامی و سیاسی و اقتصادی امریکا در این منطقه وارد آمده است. بیهوده نیست که کیسینجر، وزیر امور خارجه پیشین امریکا پیروزی انقلاب در ایران را برای امپریالیسم امریکا یک شکست استراتژیک به‌حساب می‌آورد. مجموعه سیاست امریکا در جهان و بویژه در منطقه میدانند.

اقدامات توطئه‌گرانه تبلیغاتی تحریک آمیز علیه انقلاب ایران که از سوی امپریالیسم امریکا انجام میگردد، نشانه درستی و اهداف شمارهای عمده انقلاب ایران یعنی سرنگونی رژیم طاغوتی و پایان بخشیدن به سلطه سیاسی و اقتصادی و نظامی امپریالیسم، به‌سرکردگی امپریالیسم امریکا در ایران است.

امروز که انقلاب ایران به نخستین هدف عمده خود نائل آمده و جمهوری اسلامی در کشور استقرار یافته، تمام نیروهای انقلابی با وحدت عمل و وحدت کلمه باید در سمت اصلی مبارزه، یعنی مبارزه علیه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا و بخاطر دفاع از دستاوردهای انقلاب در برابر توطئه‌ها و تحریکات و مداخله‌گری آن بسیج شوند. بایستی تمام رشته‌هایی را که امکان از ریشه قطع نمود، موافقت‌نامه‌ها و قرار دادهای موجود میان امریکا و ایران و بویژه قرارداد نظامی دوجانبه ایران و امریکا از هر مایه‌ای مؤثری هستند برای ادامه و گسترش اقدامات خرابکارانه علیه دستاوردهای انقلاب و تخریب در راه پیشرفت و به‌ثمر رساندن آن، در دست

قابل توجه اعضای سابق، هواداران و دوستان حزب توده ایران

بدین وسیله از اعضای سابق حزب توده ایران، که همچنان به آرمان خود وفادار مانده‌اند، ولی به‌علل مختلف در گذشته تماس حزبی نداشته‌اند و تاکنون نیز نتوانسته‌اند با حزب تماس برقرار کنند، خواهشمندیم هر چه زودتر به دفتر «مردم» مراجعه کنند تا به‌وضع حزبی آن‌ها رسیدگی شود.

از هواداران و دوستان حزب نیز، که یا می‌خواهند به عضویت حزب درآیند و یا مایل به کمک‌های گوناگون به حزب‌بند، خواهشمندیم برای ییعت و مشورت در این زمینه به دفتر «مردم» مراجعه کنند.

باسپاس دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۱

روز جمعه ...

ضد انقلاب خرنده

ضد انقلاب یعنی چه؟ اسلوب کارش کدام است؟ چگونه باید با آن مقابله کرد؟

۱- ضد انقلاب یعنی چه؟

وقتی می‌گوئیم «ضد انقلاب»، منظور ما اتحاد ارتجاع ایرانی و امپریالیسم جهانی است. رژیم پهلوی سرکوب شده، ولی پایه‌ی اداری - اجتماعی این رژیم باقی است. پایه‌ی اداری آن (و در مرکز آن «نیروهای قضایی») و پایه اجتماعی آن (و در مرکز آن سرمایه‌داری بزرگ و وابسته به انحصارهای امپریالیستی)، هنوز در جامعه ما فعال است. بخشی از این پایه، همراه ارباب، کوچیده است ولی بخشی در درون جامعه، یا منتظر روزهای مساعدتری است یا بصورت گروه‌های مفتن، توطئه‌گر، هراس افکن، یاغی و تروریست و شایعه‌پرداز، بصورت افرادی که جامعه عوض کرده و در صفوف نیروهای انقلابی رخنه یافته‌اند، فعالیت می‌کنند. امید روزهای خوشتر را اذدل بیرون نکرده‌اند. به تأییدات ارباب امپریالیستی خود چشم امید دوخته‌اند.

باین نیرو ابتدا و اصلاً نباید کم بها داد. اما منظور ما از امپریالیسم جهانی، در درجه اول امپریالیستهای امریکا و انگلیس و سرویسهای جاسوسی آنها (سیا) و انتلجنس سرویس (دست‌نشانندگان آنها در منطقه (اسرائیل و مصر) و سازمانهای جاسوسی وابسته به آنهاست (مانند موساد - سازمان جاسوسی ماهر و خطرناک اسرائیل) شبکه عمال امپریالیستی در ایران وسیع است. آنها در کشور ما دهها سازمان «پوشیده» داشتند، که امروز نیز به حیات خود ادامه میدهند. آنها از قرآن گرفته تا کاپیتالیسم مارکس را مایلند بخدمت هدف های پلید خود قرار دهند.

ما بین این دو «نیرو» وحدت عمل و هدف حکم رواست و در زیر «رهبری ارکستر» واحد امپریالیسم امریکا، این نیروها در صحنه جهانی (از صحنه مطبوعات و مجالس بین‌المللی مانند سنای امریکا گرفته، تا صحنه داخلی) به صد زبان و شیوه، با هزاران چهره و وجه، عمل می‌کنند و در عین تنوع عظیم شکل عمل، محتوای کار همه‌اشان یکی است: عقیم‌گذاشتن و انقلاب - از گرداندن قدرت ارتجاع و امپریالیسم، در ایران، به شکلی که مناسب با اهداف آنها باشد؛ در یک کلمه، بازگرداندن «بهشت گمشده».

۲- اسلوب کار ضد انقلاب

اسلوب کار ضد انقلاب بطور عمده در چهار عرصه است:

الف) کوشش برای ایجاد آشفتگی و فلج اقتصادی و قحط و فلا. بدین منظور عمال آن، گاه تحت عناوین و بهانه‌های ظاهر فریب، تلاش عظیمی بکار می‌برند تا چرخهای اداری و صنعتی کشاورزی یا کند بگردد، یا بالمره بایستد. انقلاب و لوزه‌ها و وزلزله‌ها و مشکل‌های ناشی از آن، برای این نوع بهانه‌سازیهایی فریبنده، هزاران دستاویز مساعد ایجاد می‌کنند. تعطیل کارخانه‌ها، بستن منازعه‌ها، کوچ اقتصادی، خارج کردن سرمایه‌ها، بایکوت معاملات، ایجاد محیط کم‌کاری و بی‌کاری در مؤسسات و غیره، اقداماتی است که ضد انقلاب یا مستقیم و یا غیرمستقیم، بدان دست می‌یازد و سپس خود آنها را وسیله «هو کردن» انقلاب قرار میدهد.

ب) کوشش برای برهم زدن نظم و امنیت در شهرها و راه‌های کشور. شایبه پراکنی و هراس افکنی برای ایجاد نگرانی و وحشت. بدین منظور با باند‌های مسلح ضد انقلابی، تروریست‌ها، راهزنانی (از نوع پالیزبان) مشغول فعالیتند. هدف آنست که همه فکر کنند، «بارفتن شاه، امنیت از کشور رخت بر بسته است!» لذا نتیجه بگیرند: «ای کاش وضع سابق برگردد»

ج) کوشش برای ایجاد تفرقه سیاسی و ایده‌ئولوژیک عمیق بین گروه‌ها و مسیر این تفرقه بسوی مقابله‌های خصومت آمیز واحد درگیری و اگر بتوان

خاتمه آن، منجمله پیام آیت‌الله لاقانی خوانده شد که ایشان طی آن ادامه مبارزات تا نابودی آثار استعمار و امپریالیسم و استبداد را خواستار شدند. مسعود رجوی، از رهبران سازمان مجاهدین خلق طی نطق مبسوطی از جمله گفت که رمز وحدت مقدس ما تادیروز «مرگ بر شاه» بود و امروز «مرگ بر امپریالیسم امریکاست». وی هشدار داد که توطئه‌گران امریکائی خیال دارند با تدارک وسیع، انقلاب مارا با تفرقه اندازی به جنگ داخلی بکشانند و محیط مناسبی برای روی کار آوردن گروهی دیگر از دست نشانندگان خود بوجود آورند. رجوی علیه «طاغوت‌های بزرگ جهانی، یعنی سازمان سیا و پنتاگون امریکا و عوامل صهیونیسم» هشدار داد. در تظاهرات اعتراض آمیز تخت جمشید، گروه‌های مختلف از جمله جنبش مسلمانان مبارز و سازمان چریکهای فدائی خلق شرکت داشتند. «امریکا دشمن خلق مستضعف ایران است» از جمله شعارهای گروه اول و پیروزی نهائی - اخراج امریکائی، از شمارهای سازمان چریکها بود.

در همه شمارهای ضد امریکائی و ضد امپریالیستی، ضرورت وحدت همه نیروها شنیده میشود.

متأسفانه گروهی بدون نام و نشان، زیر عنوان شمارهای بظاهر منجیبی، ولی آشکارا نفاق افکنانه، بصورت این تظاهرات بارها حمله بردند و سعی در تحریک و برهم زدن وضع را داشتند و عده‌ای نیز باین ترتیب مضروب و مجروح شدند. در حالیکه مسئله اصلی تظاهرات در همهجا و توسط همه گروهها، اعتراض علیه امپریالیسم امریکائی بود این عده‌ها شعارهای ضد کمونیستی میدادند و میکوشیدند نظار را از دشمن عمده میهن و انقلاب مامحرف کنند. شعار مردم در پیاده‌روها عبارت بود از «تفرقه، جدائی - سلاح امریکائی»، که خود بهترین نشانه روشن بینی و درک سیاسی است.

همچنین در شهرهای مختلف ایران تظاهرات گوناگون برپا شد. در قائم شهر (شاهی سابق) دوستون مختلف بحرکت درآمد. در ساری و بابل راه پیمائیهائی انجام شد. در تبریز و سمنان، در خرمشهر و بندرعباس، در زنجان و اصفهان، در یزد و اهواز، در کازرون و قزوین بهانه و قم و کاشان، نائین و کاشمر، دزفول و چالوس درگز و رفسنجان، مهاباد و خرم‌آباد - اگر فهرست وار هم برشمریم باید نام تمام شهرهای ایران را ذکر کنیم - تظاهرات متعدد و مشابهی علیه امپریالیسم امریکا و دسایس آن برگزار شد. پیش از روشن شدن که تا چه اندازه خلق‌ها و انقلاب ما با اتحاد و بازم اتحاد بخاطر دفاع از دستاوردهای خود نیاز دارد و تا چه اندازه هر گونه نفاق افکنی و جدائی طلبی زیر هر نام و لباسی که باشد تنها و تنها بسود ضد انقلاب است.

در شهرهایی که کنسولگری امریکا وجود دارد، تظاهر کنندگان در برابر آنها نفرت خود را از فتنه انگیزیهایی امپریالیسم بیان کردند. در بسیاری نقاط عروسک‌هایی که شبیه‌سازی امپریالیسم امریکا بود و یا پرچمهای امریکا بلامت اعتراض با تیش کشیده شد.

مردم ایران با قدرت کامل و با هماهنگی بسیار - اگر چه متأسفانه در ستونهای گوناگون - پاسخ قاطع خود را به دسایس امپریالیسم امریکا و زهر پاشیهای سنا و دولت امریکا و سیاست‌بازان امریکائی که همچنان خوابهای تیره و تار برای کشور ما میبینند، دادند. «بهداد شاه، نرت امریکاست». حقانیت و فعلیت این شعار، دیروز نیز مانند روزهای

مقابل، بار دیگر و بوضوح توسط خلق قهرمان ایران تا کید شد.

که برای رسیدن بآن رهبران سیا و انتلجنس سرویس حاضرند در همه کلیساها دعای خیر کنند! انداختن سران انقلاب بجان یکدیگر بقصد محو یکدیگر. «سیا» و «انتلجنس سرویس» در مکانیسم ایجاد نفاق و اختلاف استادند، یکی از شیوه‌های این سازمان‌های دوزخی را میتوان شیوه «بزرگسازای ترساکمی» نامید، منظور آنست که بین دو طرفی که باید نفاق ایجاد شود، از رخدادها و گفتارها و نوشتارهای قابل بهره‌برداری، با بزرگ کردن آنها بلافاصله بهره‌برداری شود و با متراکم کردن تدریجی این رویدادها، ابتدا فضای «سوء تفاهم» و سپس «سوءظن» و سپس «عدم اعتماد» و آنگاه «خصومت» و سرانجام «درگیری خصمانه» ایجاد گردد. سیا و انتلجنس سرویس مطمئن‌اند پس از آن دیگر چرخ چهنمی عداوت خود بخود خواهد چرخید و کار ما به‌جز خش‌خاشنا نوز خود را خود پدید خواهد آورد و احتیاجی به فرد ثالثی نیست!

د) کوشش برای ایجاد نفاق بین خلق‌ها و ملیت‌های مختلف ایران. حوادث سندن و گنبد کاووس و نقده، آثاری است از این کوشش. در میان آذربایجانها، کردها، بلوچها، ترکمن‌ها و عربها این کوشش ادامه دارد. یکی از اسالیب مهم نفاق در این زمینه، که سرویسهای جاسوسی امپریالیستی در آن استادند، آنست که عمال آنها، در موضع گیریها و قطب‌های متقابل نشسته‌اند و بدست هم بهانه میدهند، یکی بهانه میدهند و آن دیگری بهانه‌را «بل» می‌گیرد. او بنوبه خود با این بل گرفتار، بهانه میدهد و طرف اولی بل می‌گیرد. مثلاً یکی در محافل دولتی یا روحانی حرفی میزند، عملی می‌کند که اگر مقلدانه نباشد، لااقل ناسنجیده است. یکمرتبه می‌بیند فریاد غضبناک طرف مقابل، که خود را جریحه‌دار می‌شمرد، برمی‌خیزد، ای‌چه‌بسا که «رهبر ارکستر» در مورد هر دو طرف یکی است. (گاه خودشان هم نمیدانند و طعمه مصوم بازیهایی پس پرده قرار می‌گیرند. لذا صحبت بر سر نیات نیست، بلکه صحبت بر سر نتیجه عمل است). این اسلوب نیز چیزی است نظیر اسلوب «ترساکمی»، که در بالا از آن یاد کردیم اسلوبی است مانند بازی «دستی‌ده» ایرانی. بقول مثل معروف، «کسه‌داریم آرکوزارک، تویرکنی من بر ترک».

۳- وظایف نیروهای انقلابی

اگر آنچه در بند اول و دوم این گفتار گفته‌ایم درست است، پس نیروهای انقلابی، اعم از طرفداران «پیش‌توحیدی و جامعه قسط اسلامی»، «طرفداران راه مصدق»، «مجاهدین خلق»، «چریک‌های فدائی خلق»، «اعضاء «حزب توده ایران» مطبوعات و جمعیت‌ها و ستدیگ‌های مختلف روشنفکری، کارگری، کارمندی، جمعیت‌های دهقانی و دیگر نیروهایی که در این انقلاب دمی‌دخل و ذی‌فمنند، باید چشم‌های خود را باز و بازتر و بازم بازتر کنند. اگر انقلاب شکست بخورد، کسی از ما در این میان برنده نیست. اگر فرصت از دست برود، پشیمانی دیر است.

با سر نوشت انقلاب، یعنی سر نوشت انسانها و مبارزان انقلابی، نمی‌توان خیره‌سرا نه و بر اساس خودخواهی گروهی و تنگ‌نظری و ندامت‌کاری و زنگرفتن‌ها و پیشی‌جستن‌های خودخواهانه و نفاق و نفاق‌گروهي، بازی کرد.

همانطور که حزب توده ایران بی‌خستگی تکرار می‌کند، باید توانست مقابله افکار و نظریات را (که در مرحله کنونی انقلاب ناگزیر است) با روشی انجام داد که به دشمن مشترک، به ضد انقلاب میدان ندهد. باید وحدت صفوف انقلابی را در زمینه هدف اساسی انقلاب و در عمل اساسی جنبش به هر قیمتی که هست حفظ کرد. این است وظیفه عمده! این وظیفه ابتدا مانع استقلال احزاب و گروهها و مطبوعات و آزادی آنها نیست، آزادی و استقلال مسئول و هوشیارانه سازمانها در عین حفظ همبستگی و شور و توافق جمعی آنها. هر اسلوبی جز این فاجعه‌انگیز است.

پرسشها و پاسخها

چند تن از دوستان دربارۀ «قرضه ملی» که در زمان حکومت ملی دکتر محمد مصدق انجام شد و روش حزب توده ایران که به آن نپوست سوال کرده اند، البته جملات و طرز پرسش متفاوت است، ولی مضمون، همان موضع حزب دربارۀ این اقدام دولت مصدق به اخذ قرضه ملی است.

موقعیکه «قرضه ملی» توسط دکتر مصدق، اعلام شد، حزب توده ایران به آن نپوست و این یک عمل اشتباه آمیز بود. در حالی که در واقع خود حزب قبل از آن، مبتکر جمع آوری کمک و قرضه ملی بود. در این باره توضیح می دهیم. در ماه های اول سال ۱۳۳۰، هنگامی که دولت ملی دکتر مصدق در نبرد با شرکت نفت انگلیس و دولت انگلستان، درگیر گرفتاریهای مالی بود، این نخست حزب توده بود که کارگران و سایر مردم را برای دادن کمک مالی به دولت بسیج می کرد و زمینه برای آن که یک همکاری وسیع به وجود آید و دکتر مصدق با قرضه ملی، به صورت تظاهر یک همبستگی عمومی علیه استعمار موافقت کند، فراهم می شد. اول حزب شروع به جمع آوری اعانه کرد و به ویژه در بین کارگران، حزب ما پیشنهاد همکاری داد و جریان کم کم، علی رغم خصامی ها و پیشنهادوری ها و آرزوی بی های نادرست، به سوی وحدت عمل می رفت، و این درست همان چیزی بود که می توانست کابوس مرگ امپریالیسم باشد، اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی در درجه اول توده ای و کمه در

اما امپریالیست ها و اعمال آن ها، که در جامعه و در درون دولت بیکار نشسته بودند، درست به همین جا ضرب زدند، یعنی با ترتیب دادن خونریزی ۲۳ تیر ۱۳۳۰، پل هائی را که در حال ساخته شدن بودند شکستند و با اقدام تحریک آمیز خود و ایجاد عصبانیت و سوء تفاهم، رفته رفته را که می رفت به هم پیوند داده شود، از هم گسستند. در آن روزهای متری و ضد استعماری و در رأس آن ها حزب توده ایران، تظاهراتی را علیه دسایس ایالات متحده آمریکا سازمان داده بودند که به دستور سرلشکر زاهدی، وزیر کشور در دولت مصدق، همان زاهدی که سپس کودتا کرد، این تظاهرات بخون کشیده شد و وضع بسیار وخیمی ایجاد گردید. دامنه سوء تفاهم، سوء قضاوت و آرزوی غلط بالا گرفت. نیروهای که میبایست متحد عمل کنند، در واقع به دام فتنه انگیزان افتادند و در مقابل هم قرار گرفتند. به این

انتقاد وارد است که در آن موقع بین دو جناح درون دولت و درون جبهه ملی، جناح ملی و ضد امپریالیستی، که دکتر مصدق رهبری آنرا داشت، و جناح مزدور امپریالیسم و خرابکار، که زاهدی عامل آن، در درون دولت و بقائیه ها در خارج بودند، تفاوت قائل نشدیم. زمینه های چه روی موجود در حزب توسط این حادثه تقویت شد. از آن طرف نیز حملات و بدگویی ها و افتراها به حزب ماسدت یافت. در این دوران است که قرضه ملی اعلام شد و حزب، بنا به همان آرزوی اشتباه آمیز، در این مورد نیز نتوانست موضع درستی اتخاذ کند، اگر چه خودش قبلا پیشقدم و پیشنهاد دهنده آن بود. این دوران بمدا و به ویژه پس از رویدادهای ۳۰ تیر سال بعد و توطئه کودتای ۱۹ اسفند ۱۳۳۱ به تدریج پایان یافت و حزب توانست بر ناپختگی و داوری غلط غلبه کند و روش درست حمایت کامل از کلیه اقدامات ضد امپریالیستی و ملی دولت دکتر مصدق را در پیش گیرد. نمونه های آن فراوان و عالی تر نشان شرکت در فرآیند بود. این وقایع تنها اهمیت تاریخی ندارد، بلکه دارای اهمیت عملی روز نیز هست. حزب ما از تجربه تاریخ گذشته می آموزد و می گوید تادریست ترین روش و سیاست را که به اتحاد کلیه نیروهای ضد

رویدادهای جهان

* اسرائیل و همدمستانش همچنان تجاوز می کنند

خبرگزاری فلسطینی «وفا» اعلام کرد که عصر روز دوشنبه توپخانه سنگین اسرائیل و راست گرایان مسیحی لبنان اردوگاه فلسطینی ها را در رشیدیه و حومه آن زیر آتش گرفتند.

چریک های فلسطینی نیز متذکر شدند که همزمان با بمباران اردوگاه آوارگان رشیدیه یکی از دهکده های مجاور جنوب لبنان نیز زیر آتش توپخانه مرزی اسرائیل قرار گرفت. در پیانه فرماندهی عالی سازمان آزادی بخش فلسطین آمده است که راست گرایان مسیحی لبنان زیر حمایت اسرائیل، در بمباران رشیدیه و رأس العین (در جنوب بندر صور) مشارکت داشتند.

خبرنگاران مستقر در جنوب لبنان گزارش دادند که شبه نظامیان محافظه کار مسیحی دهکده حسیبه در ناحیه جنوب شرقی لبنان و همچنین دهکده رشایه و الفخار را زیر آتش گرفتند و جمعی را میزورح ساختند. و در این میان توپخانه اسرائیل منطقه نبطیه، مقر ستاد نیروهای فلسطین و ترفی خواه را در جنوب لبنان گلوله باران کردند. به گزارش همین خبرنگاران، نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل متحد از بیم نفوذ نیروهای اسرائیلی به ناحیه عرقوب به حال آماده باش درآمدند.

* افکار عمومی محکوم می کند

روزنامه پر اودا ارگان حزب کمونیست شوروی تجاوزات اسرائیل را محکوم کرد و نوشت که رژیم صهیونیست این کشور با حمایت از آدمکشان سرگردانده، فرمانده غیر نظامیان مسلح مسیحی، در جنوب لبنان نافرمانی جنگ اعلام نشده ای را در این کشور فروخته است. پر اودا همچنین تحریکات اسرائیل را علیه واحدهای سازمان ملل (در جنوب لبنان) محکوم کرد و اعلام داشت که تجاوز اسرائیل علیه لبنان، پس از انعقاد پیمان به اصطلاح صلح مصر و اسرائیل شدت یافته است.

گوستاو هوساک رئیس جمهوری چکسلواکی، هنگام دیدار اخیر خود از دمشق تجاوزات اسرائیل را محکوم کرد و اعلام داشت که انعقاد پیمان صلح میان مصر و اسرائیل کار نیل به یک راه حل همه جانبه را برای مسئله خاور میانه دشوارتر کرده و اوضاع را بغرنج تر ساخته است. رئیس جمهوری چکسلواکی تأکید کرد که تنها راه تأمین صلح در خاور میانه، خروج کامل اسرائیل از سرزمین های عربی و قبول حق تأسیس یک دولت مستقل از طرف فلسطینی ها است.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، کشورهای عرب و جهان سوم خواستار اخراج اسرائیل از سازمان بهداشت جهانی شدند و اعلام کردند که این کشور دست به اقدامات غیر انسانی زده است.

در پیش نویس قطعنامه ای که از طرف این سازمان انتشار یافت، تصریح شد که رژیم صهیونیست اسرائیل در زندان های این کشور با اعراب ظالمانه رفتار می کند.

در قطعنامه ای که از طرف جمهوری سوسیالیستی ویتنام، افغانستان، آنگولا، لاوس، کینه و چاد مورد حمایت قرار گرفت، تأکید شد که حق دادن رأی و دریافت کمک از سازمان بهداشت جهانی از اسرائیل سلب شود.

سرشت انسانی و عادلانه روابط کشورهای سوسیالیستی با دولت ها و ملل عرب و حمایت مداوم آن ها از مبارزه ملت های عرب با تجاوزات و استیلاجویی های رژیم صهیونیست اسرائیل، در مطبوعات سوریه مورد بحث و تأیید قرار گرفت.

روزنامه البعث پشتیبانی مداوم را که چکسلواکی از لحاظ نظامی، اقتصادی و سیاسی نسبت به سوریه ابراز داشته است، ستود و درباره دیدار اخیر گوستاو هوساک از دمشق نوشت که ملت سوریه هیچ گاه فراموش نخواهد کرد که چکسلواکی از سال ۱۹۵۶ اسلحه در اختیار سوریه گذاشته است تا این کشور قدرت لازم برای مبارزه با اشغالگران صهیونیست را داشته باشد. البعث همچنین از روش تأیید آمیز رهبران چکسلواکی نسبت به امر اعراب از جمله آرمان فلسطین ابراز خوشنودی کرد.

الثوره، روزنامه دیگری نیز که در سوریه چاپ می شود، حمایت کشورهای اردوگاه سوسیالیستی را از بیکار عادلانه اعراب با صهیونیسم و امپریالیسم ستود.

در ملاقاتی که میان سفیر اتحاد شوروی در کویت و معاون وزیر امور خارجه این کشور انجام گرفت اوضاع سیاسی خاور میانه در پی انعقاد پیمان به اصطلاح صلح اسرائیل و مصر مورد بررسی قرار گرفت.

سفیر شوروی در پایان این ملاقات و گفتگو اعلام کرد که اختلاف اعراب و اسرائیل فقط به ابتکار سازمان ملل متحد و با مشارکت و حضور همه جناح های ذریبط با بحران خاور میانه قابل رفع تواند بود.

امپریالیستی کمک کند و در حال حاضر ضد انقلاب را در لباس گوناگون سیاسی و اقتصادی و اجتماعی سرکوب سازد، اتخاذ نماید. وظیفه همه مبارزان صدیق است که از تجزیهات مثبت و منفی گذشته برای انتخاب درست ترین راه استفاده کنند.

تهدوست عزیز فرخ زاده، پرسش شما درباره آنتی کمونیسم رسیده است. شماره ۱۵ «مردم» را بخوانید.

تهدوستی که پرسشهایی درباره غلط های چاپی کرده ای، یادداشت بی امضای شمارسید حق با شماست. اغلاط چاپی متأسفانه زیاد و گاه فاحش است و متأسفانه هنوز امکان عملی رفع همه اشتباهات چاپی را به رغم آن که دوستان همه گونه کوشش را انجام میدهند، نداریم. البته جرایم دیگری نیز عاری از اشتباهات چاپی نیستند، ولی

این البته توجهی نیست. به خصوص همانطور که شما نوشته اید، داستان پیراهن عثمان کردن هر کلمه نیز از جانب کسانی که سوء نیت دارند یا دنبال بهانه می گردند مطرح است. البته ما به کوشش خود ادامه خواهیم داد.

تهدوست عزیز م. همعاری، نامه شما رسید. پیشنهاد شما درباره تصرف اموال کلیه اموات به نفع اجتماع پیشنهاد درستی نیست. مالکیت شخصی افراد بر روی اشیاء

و متعلقات خود که جنبه مصرفی و استفاده شخصی و خانوادگی دارند حتی در پیشرفته ترین جوامع سوسیالیستی کاملاً محترم است و کسی آنها را ضبط نمی کند یعنی حق به ارت باقی است. البته آنچه که گفتیم در مورد مالکیت شخصی بر آن گونه اموال و اشیاء است. نفع اجتماع را در جای دیگر باید جستجو کرد. آنچه که باید بر افنده مالکیت خصوصی بر وسایل تولید است که خود ریشه و وسیله استثمار فردی از افراد دیگر است که در مرحله دیگری از تکامل جامعه ما مطرح خواهد شد.

پیشنهادهای دیگر شما درباره تأمین کودکان حق به کاروبیمه بیکاری و بیمه بیماری برای همگان کاملاً درست است و یک دولت متکی بخلق باید این برنامه را عملی سازد و ما در این راه خواهیم کوشید.

پیشنهاد آخر شما در مورد تصحیلات حداقل درست است ولی تعالی ترین مدارج دیگر وابسته است به استعداد و توانایی هر جوان و ذوق و تمایل او. به نظر ما وسیله آموزش و پرورش باید برایگان و بطور مساوی در دسترس همگان باشد و هیچ نوع سد و مانع طبقاتی و خانوادگی و شغلی و منطقه ای نباید جلوی ادامه تحصیل را بگیرد که آن نیز مطابق با نفع جامعه و طبق بر نامه همه جانبه ای تنظیم باید گردد.

* رژیم سادات مخالفان این خیانت را سر کوبی می کند

تاس، خبرگزاری شوروی، با استناد به نوشته روزنامه الوطن، چاپ کویت، گزارش داد که مقامات مصر دست اندر کار ایداء و بازداشت مخالفان پیمان صلح، جداگانه رژیم سادات با اسرائیل هستند. الوطن نوشت که بسیاری از مخالفان هم اکنون در زندان بسر می برند، به گزارش این روزنامه موج مخالفت با امضای این سند تنک و خیانت سراسر مصر را فرار گرفته است.

* تجاوزات و زشت کاری های دولت های نژاد پرست در زیر

چتر حمایتی امپریالیسم

یان اسمیت نخست وزیر نژاد پرست رودزیا اعلام کرد که توصیه سنای امریکا (همان سنا که اعدام سردمداران جنایتکار رژیم خون آشام را به «اتفاق آراء» محکوم کرد) به جیمی کارتر در مورد لغو مجازات اقتصادی علیه رودزیا خبر بسیار مسرت بخشی برای «مردم» این کشور است.

اسمیت که از تشابه عقیدتی میان خودش و سناتورهای امریکایی به وجد آمده است، آنها را مورد تطف و دلجویی قرار داد و گفت، «سناتورهای امریکایی مردانی اصولی هستند و سر حرف خود می ایستند»

لکن ... سازمان بهداشت جهانی از دبیر کل این سازمان خواست تا تمام روابط خود را با دولت جدید رودزیا به ریاست اسقف ابل موزوروا قطع کند و جبهه میهن پرست زیما بوه و کشورهای خط مقدم جنوب آفریقا را مورد حمایت و تأیید قرار دهد.

هفتاد و شش کشور عضو سازمان بهداشت جهانی در قطعنامه ای از امریکا طلب کردند که هر گونه همکاری با ابل موزوروا را قطع کند. انگلیس، امریکا و کشورهای های عضو بازار مشترک اروپا از جمله سی دو کشوری بودند که از دادن رأی به زبان رژیم رودزیا امتناع کردند.

سختگیری چریک های جبهه میهن پرست رودزیا گفت که دولت رودزیا تا اکنون بیش از سیصد هزار نفر مزدور استخدام کرده است که اکثریت آنها امریکایی، انگلیسی، فرانسوی، اسرائیلی، پرتغالی و از اتباع آلمان فدرال هستند (از کشورهای طرفدار حقوق بشر).

آفریقای جنوبی نیز که در کشف حمایت طرفداران غربی حقوق بشر، قرار دارد، در هر دو دقیقه یک سیاه پوست مبارز را به بهانه به اصطلاح «تقاضای مقرر منع عبور مرور» محبوس می سازد. در سال گذشته پلیس آفریقای جنوبی حدود ۲۸۰ هزار نفر را در شهرهای این کشور بازداشت کرد و ۱۷ هزار نفر را به زندان فرستاد.

جمهوری آنگولا اعلام کرد که ارتش آفریقای جنوبی در مرزهای مشترک آنگولا و نامیبیا به لشکرکشی زمینی و هوایی دست زده است و مستمسک این تجاوز به اصطلاح مقابله آفریقای جنوبی با چریک های سواپواست.

اتحاد شوروی بار دیگر همبستگی خود را با بیکارهای مردم نامیبیا در راه تحصیل استقلال اعلام داشت و تأکید ورزید که به مردم این سرزمین در راه نیل به آرمان هایشان هر گونه کمک ضرور را خواهد کرد.

دولت شوروی در اعلامیه صادره در پایان اجلاس کمیسیون سازمان ملل در باره نامیبیا، که در مسکو تشکیل شده بود، تصریح کرد که رژیم آفریقای جنوبی بر اقدامات خشنوت آمیز خود علیه جنبش حق طلبانه مردم نامیبیا که در راه تحصیل استقلال خود مبارزه می کند، افزوده است.

اتحاد شوروی همچنین رژیم نژاد پرست رودزیا را محکوم کرد و در این بیانیه اعلامیه متذکر شد که این رژیم برای سرکوبی جنبش سازمان خلق آفریقای جنوب غربی، علاوه بر تهاجم مستقیم علیه مبارزان این جنبش، کشورهای همجوار نامیبیا را نیز مورد حمله و تجاوز قرار می دهد و بدین وسیله صلح و امنیت بین المللی را به مخاطره می افکند.

اتحاد عمل همه نیروهای انقلابی

بقیه از صفحه ۱

سنای امریکا در امور داخلی ایران و در حمایت از عمال و گماشتگان سبهاکار امپریالیسم امریکا، که اینک عدالت انقلابی خلق میهن ما، بدست داد گاهای انقلابی، که مظهر خواست مردم ایران اند، آنها را بدست مجازات میسپارد.

یگانه هدف تظاهراتی که در این دوروز انجام شد، امپریالیزم امریکا، سنای امریکا و اداره کنندگان دستگاه دولتی تجاوزکار و مداخله گر امریکا بود. در این چنین وضعی و این چنین شرایطی، هر گونه حرف و عملی که خدشه ای بر این اساس وارد سازد، مردم را در مورد شناخت دشمن اصلی سردرگم کند و شعار اصلی نابودی این دشمن را، در مواردی حتی تحت الشعاع شعارهایی که کوچکترین ارتباطی با این موضوع اساسی ندارد قرار دهد، نسیاست و نمیتوانست مجاز باشد. اما این اصل درست و اساسی در عمل از طرف بعضی گروهها مراعات نشد، و نه فقط مراعات نشد، بلکه تلاشهایی از طرف آنها بعمل آمد که تظاهرات مزبور را از مسیر اصلی خود منحرف سازند و کاری کنند که هدف اصلی در بین برخی آشفته گاریها گم شود و دوست از دشمن باز شناخته نگردد.

مشاهده شد که برخی از این گروهها کوشیدند تا تظاهرات ضد امریکائی را به «تظاهرات ضد کمونیستی» و «ضد توده ای» و «ضد شوروی» بدل کنند و بحق میتوان گفت که در این کسانی که کوشیدند، مسیر اصلی تظاهرات را تغییر دهند و هدف اصلی را از مسیر ضربت بر کنار نگهدارند، عوامل ساواکی، سرسپردگان سیا و عمال مائوئیسم کم نبودند. ما در اینجا با این عوامل خرابکار که عالما و عامدا در این راه کوشیدند، کاری نداریم.

روی سخن ما در اینجا با آن عده افراد با حسن نیتی است که نادانسته در دام این شعارهای نادرست و زیان بخشی می افتند. و حرف اول ما اینست که چرا اجازه داده میشود که در روزی که بعنوان تظاهر اراده عمومی همه مردم علیه دخالت گستاخانه امریکا در امور ایران است، کسانی امکان نفاق افکنی پیدا کنند، کسانی مجال بیابند که حتی لحظه ای مردم را از توجه به دشمن اصلی بازدارند؟

ما نمیخواهیم و برسر آن نیستیم که حق اظهار نظر آزاد را در تمام سطوح سیاسی و اجتماعی رد کنیم. برعکس ما خواستار تأمین این حق هستیم. ولی در موردی که پای دخالت استقلال شکنانه امپریالیزم امریکا در میان است، در موردی که باید تمام نیروها علیه این دشمن اصلی بسیج شود، گروهی و دسته ای تلاش میکنند، تظاهرات خلق ما را از مسیر اصلی واصل خود منحرف سازند و دشمن اصلی را از زیر ضربه کنار بکشند. باید تصدیق کرد که ما حق داریم در حسن نیت بانیمان این روش ناهنجار سوءظن پیدا کنیم و آنرا بدترین و موذیانانه ترین شکل و راه نفاق افکنی بشمار آوریم.

منابع شوروی درباره ایران چه می نویسند؟

نبرد قهرمانانه خلق های ایران تحسین و علاقه خلق های کشورهای همسایه بزرگ شمالی ما را نسبت به خود جلب کرده و افکار عمومی اتحاد شوروی، به اشکال مختلف، همبستگی خود را با جمهوری ما و علاقه مندی خود را به تحکیم روابط دوستانه با ایران و پیروزی نهائی انقلاب ایران نشان میدهد «مردم» خلاصه مقاله ایسرا که خبرگزاری شوروی نووستی زیر عنوان «بدر دشمنی می افشاند»، منتشر ساخته و همچنین مقاله ای از روزنامه پرآوا ارگان مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی را از نظر خوانندگان خود می گذراند.

سقوط رژیم سلطنتی در ایران به صورت یکی از رویدادهای مهم بین المللی دوران اخیر در آمده است. درباره انقلاب ملی در این کشور، دستاوردها و دشواری های آن، پیوسته بزرگترین روزنامه های جهان قلمفرسائی می کنند، به ویژه مسئله مناسبات بین ملیتها دقت وافر را بخود جلب می کند.

بر نفت ایران است. سخن بر سر آنست که ذخایر عمده نفت در اراضی مسکونی اقلیت های ملی نهفته، و در صورت تاسیس چند دولت مجزا، امریکا خواهد توانست مواضع اقتصادی خود را در این منطقه احیاء نماید.

در رابطه با این موضوع، گزارش هفته نامه لبنانی «الکفاح العربی» شایان توجه است. به قرار اطلاع این هفته نامه تماس دائمی بین نمایندگان مسئول امریکا و رهبران عشایر بلوچ برقرار است. بخصوص نام لیسارد - دبیر اول سفارت امریکا در اسلام آباد، که به عنوان کارمند سیا شهرت دارد، برده می شود. وی چندی پیش از مناطق بلوچ نشین ایران و پاکستان دیدن کرد. هفته نامه می نویسد: «به احتمال قوی این تماسها در چهارچوب نقشه امریکایی بر تاسیس کشور مستقل بلوچستان بحساب اراضی دو کشور نامبرده صورت می گیرد. ناگفته نماند که اراضی این منطقه، طبق پیش بینی کارشناسان امریکائی، از لحاظ ذخایر نفت و گاز، فلزات و مواد معدنی مختلف بسیار غنی است.»

خبرگزاری مطبوعاتی شوروی «نووستی» در پایان مینویسد: «تمام این گزارشها بار دیگر فعالیت ناهنجار سیا در ایران را فاش می کند، فعالیتی که گاهی بشهرمانه با کارزار تبلیغاتی «دست مسکوه» پرده پوشی میشود. ولی مردم ایران و رهبران جدید آنها به روشنی می بینند که، دست چه کسی بسوی گلولی انقلاب ملی دراز می شود.»

روزنامه پرآوا. ارگان مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی نیز مقاله ای دارد زیر عنوان «دسایس ارتجاع» که در آن منجمد چنین می نویسد:

«اغلب اوقات نه خود واقع، بلکه آنچه به دنبال آن اتفاق می افتد حقیقت ماجرا را آشکار می سازد. ترور اخیر آیت الله مطهری، روحانی برجسته ایران و طرفدار نزدیک آیت الله خمینی ضربه ایست بر ضد خود انقلاب، که رژیم ضد مردمی و مستبدانه شاه را سرنگون کرده است. این سوء قصد نشان میدهد که مبارزه بین گذشته و حال در ایران خاتمه نیافته است.

شاه مخلوع، ماهرانه اختلافات ملی و مذهبی خلق ها و قبایل ساکن ایران را به بازی می گرفت و از سیاست کهنه و آزموده استعمارگران انگلیس - تفرقه انداز و حکومت کن. استفاده می نمود. در عمل، این سیاست را کارکنان سرویس ساواک (پلیس مخفی شاه)، که با سازمان مرکزی جاسوسی امریکا (سیا) پیوند بسیار محکمی داشتند، پیاده می کردند.

انقلاب، طومار نظام شاهنشاهی را در هم زردید. ساواک متحلی شد. مستشاران کثیر، نرده امریکائی خاک ایران را ترک کردند. اما مسائل بین ملیتها، که از دوران شاه سابق باقی مانده، با تمام حدت خود در نمایان می سازد. خیرهای اضطراب آوری از مناطق کردنشین و ترکمن نشین ایران می رسد. دوباره صدای تیراندازی شنیده می شود. بمبها منفجر می گردند و افراد بیگناه کشته می شوند. تنها در شهر نقده در عرض ۶ روز حدود ۵۰۰ نفر کشته شدند.

البته مشکلاتی عینی وجود دارد، که طی مدت کوتاه نمی توان آنها را برطرف خود. ولی بسیاری از ناظران به کرات حدس زدند که این مشکلات، ماهرانه از طرف عمال سیا، که در میان شان کم نیستند ساواکی هائی که از دست انتقام مردم مخفی شده اند، مورد استفاده قرار می گیرد.

هدف سیاسی عمال امریکائیست که، تمامیت ارضی ایران را قطعه قطعه کنند و از این راه آن را ناتوان و متلاشی سازند. هدف اقتصادی آنها اعاده کنترل

روزنامه پرآوا. ارگان مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی نیز مقاله ای دارد زیر عنوان «دسایس ارتجاع» که در آن منجمد چنین می نویسد:

«اغلب اوقات نه خود واقع، بلکه آنچه به دنبال آن اتفاق می افتد حقیقت ماجرا را آشکار می سازد. ترور اخیر آیت الله مطهری، روحانی برجسته ایران و طرفدار نزدیک آیت الله خمینی ضربه ایست بر ضد خود انقلاب، که رژیم ضد مردمی و مستبدانه شاه را سرنگون کرده است. این سوء قصد نشان میدهد که مبارزه بین گذشته و حال در ایران خاتمه نیافته است.

مسئولیت ترور آیت الله مطهری را گروه زیرزمینی «فرقان» به عهده گرفته است، که بسیاری از نکات فعالیت سیاسی آن در بردهای از مه فرورفته است.

در عین حال اظهار عقیده می شود که شمارهای بظاهر مذهبی و دموکراتیک دروغین «فرقان»، برای پرده پوشی عناصر طرفدار شاه، از جمله افسران و کارمندان ساواک مورد استفاده قرار می گیرد. آنها

مواد مخدر - فلج کننده نسل جوان

نام موادمخدر، وبخصوص هرئین، بانام اشرف پهلوی توأم است. در دوران حاکمیت این خاندان ننگین، تمام داروستانهای هرئین و دیگر مواد مخدر در دست این زن فاسد متمرکز بود. قانون مجازات اعدام برای قاچاقچیان این مواد وجود داشت، اما این قانون تنها در مورد کسانی اعمال و اجرا میشد که بخود جرأت میدادند تا در خارج ازباند وسیع تحت ریاست عالی اشرف و بطور مستقل عمل کنند.

باندها قاچاق اشرف پهلوی در ترویج موادمخدر، وبخصوص هرئین، دودخف شیطانی را تعقیب میکرد؛ نخست تأمین يك منبع درآمد سرشار، که هزینه بوالهوسی های اشرف و اطرافیان او را تأمین میکرد. هدف دوم که مورد توجه تمامی دستگاه سلطنتی و دولتی بود، کشتن نسل جوان بفساد و تباهی و فلج کردن آن و بازداشتن آن از توجه بمسائل مملکتی و سیاسی بود.

رژیم ترور و اختناق بنوبه خود کم کم میکرد که آن گروه از جوانان و مردان که نه مرد میدان مبارزه بودند و نه حاضر بودند تسلیم رژیم بشوند، خواه و ناخواه، برای تسکین اعصاب خود، باین مواد پناه ببرند و ساعاتی را بیخیال خود در بی خبری بگذرانند. و این یکی از ضربه های کشنده روحی و معنوی بود که عالم او عامداً و بنحوی حساب شده از طرف رژیم بر پیشکر اجتماع ما فرود می آمد.

مردم قیام کردند، پایه های نظام استبدادی پهلوی و به همراه آن بنیان حکومت سلطنتی و از گون گردید و این قابوس مهیب از روی سینه ی مردم برداشته شد و اشرف پهلوی، رئیس قاچاقچیان موادمخدر، از ایران گریخت.

آن بساط ننگین و ضد مردمی سر تا پای از هم فروپاشید، ولی متأسفانه ریشه شوم اشرف و باند او بر جای ماند و میدان اینک بدست رقیبان اشرف افتاده، که بازار قاچاق و فروش این مواد را رواج دهند. قربانیان این عمل تبهکارانه و شیطانی باز هم نسل جوان و فغان ما است، که اگر در این تاریخ تاریخی گرفتار شود، بکلی فلج و مبدل بمشغولان اجتماع ما میگردد.

این قاچاقچیان که در حقیقت قاتلین قوه فماله ی نسل جوان ما هستند، برای عرضه کردن کالای زهر آلود، در همه جا پخش هستند، در درون پارکها، در گوشه و کنار خیابانها، در بساط ظاسر آمحقری که ماهه جا بر سر راه خود می بینیم، باین تجارت لعنتی ادامه می دهند.

نباید در این واقعت تردید کرد که خطر رواج این مواد برای مردم همینها دهها بار از خطر رواج مواد الکلی بیشتر است. باند خطرناکی که از رواج این متاع جهنمی سود میبرد، برای بدام کشیدن جوانان و وسایط وسائل جهنمی تری دارد، که مورد استفاده قرار میدهد؛ گاه با تمارق يك سیگار و تقدیم يك گل، قربانی را بدام میکشد و طرف بدون اینکه غافل باشد و متوجه باشد وقتی چشم باز میکند که خود را اسیر و سیتلا می بیند.

مبارزه ی بی امان علیه مواد مخدر يك وظیفه همگانی است. دولت بنوبه خود و مردم بجای خود. در حقیقت جای آن دارد که برای زدودن محیط اجتماعی ما از باقیمانده کثافات این ارتیه شوم دوران طاغوتی، يك جهاد همگانی آغاز شود. مامورین دولتی باید مبارزه علیه این مواد را در دستور روز وظایف خود قرار دهند، مردم باید در مراقبت برای کشف این کانونهای فساد از خود هشیاری کافی نشان دهند. جوانان، که خود عمده ترین هدف ضربه این کانونها هستند، باید با همان شورا انقلابی، که دستگاه طاغوتی را برچیدند، علیه این یادگاری شوم و لعنتی دستگاه مزبور، هشیارانه فعالیت و آنها را شناسائی کنند و بنست مامورین بسپارند. اگر برخی اعمال زشت و انحرافی، که برای آنها مجازات اعدام اجرا و اعمال میگردد، جنبه انفرادی دارد، هرگونه ترویج و فروش و قاچاق این مواد زهر آلود، بیجامه ی مازیان میرساند و خبیانتی است علیه اجتماع ما.

می خواهند با کمک عملیات تروریستی و تحریک بر خورد های مسلحانه در نواحی محل اقامت اقلیت های ملی و با ایجاد اختلال در حیات اقتصادی کشور، محیط عدم ثبات و عدم اطمینان به وجود آورند. هدف از سوء قصد به مطهری و قره نی نه تنها متزلزل ساختن مواضع آیت الله خمینی، بلکه در درجه اول نفاق افکنی و رودر رو قراردادن نیروهای انقلابی کشور، ایجاد بحران عمیق سیاسی و حتی دامن زدن به جنگ داخلی است.

تمامی نیروهای واقعا دموکراتیک ایران بشدت این جنایات را تعقیب نمودند. حزب توده ایران ترور آیت الله مطهری را جزئی از توطئه جنایتکارانه امپریالیسم و عمال آن بر ضد انقلاب ایران نامید. حزب توده ایران دعوت نمود که کلیه نیروهای انقلابی ایران در قبال دسایس ارتجاع وحدت عمل را تقویت بخشند. سایر احزاب و سازمانهای دست چپی ایران بشدت ترور آیت الله مطهری را محکوم کردند و بحق یاد آور شدند که مقصران ترور قره نی و مطهری را باید در میان نیروهای ضد انقلاب و ملهمین امپریالیست آنها جستجو کرد.

با وجود روش بارز نیروهای دموکراتیک و با وجود حقایق و جزئیاتی که اخیراً برملا شده است، بعضی از محافل ایران این ترورهای سیاسی را بهانه ای برای گسترش تبلیغات وسیع بر ضد جناح چپ انقلاب قرار داده اند.

اظهارات آیت الله خمینی در خصوص اینکه عملیات تروریستی اخیر کار عناصر دست راستی است و کوشش برای نسبت دادن این عملیات به محافل دیگر تحریک محضی است، از این نقطه نظر شایان توجه است.

پراودا در خاتمه مینویسد:

دشمنان ایران نو، روی نفاق و تیزه گریه گروهای انقلابی حساب می کنند و بیش از هر چیز از وحدت صفوف انقلاب وحشت دارند.

جمهوری جوان ایران دوران دشواری را می گذراند. مردم این کشور، که سر نرشت خود را بدست گرفته اند، مسائل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و ملی دشواری را حل می کنند. جمهوری اسلامی ایران در این دوره از استقرار خود، هرگز مانند امروز احتیاج به همکاری پایدار و مناسبات دوستانه با همسایگان خود نداشته است. اتحاد شوروی که نسبت به مبارزه مردم ایران در راه تأمین منافع و حقوق دموکراتیک و استقلال واقعی علاقه عمیقی دارد، به همسایه خود ایران پیشنهاد دوستی و همکاری میدهد و خواستار حل و فصل هر چه زودتر مسائل داخلی آن و رفاه و صلح و شگفتگی تمامی مردم ایران است.

توضیح دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

اخیرا لیست گروهی از ماموران و همکاران ساواک در مطبوعات، گویا از طرف مقامات دولتی منتشر شده است. در این لیست، که گفته میشود انگیزه انتشار آن تصفیه و پاکسازی مطبوعات است. از جمله یکی از رفقای ما، «هوشنگ اسدی»، بعنوان مامور ساواک معرفی شده است.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران بدینوسیله اعلام میدارد که، هوشنگ اسدی عضو حزب توده ایران است و بدستور حزب و در انجام ماموریت محوله، از طریق شبکه مخفی حزب توده ایران به داخل ساواک رخنه کرده و در این رابطه موفق به خدمات موثری شده است.

دبیرخانه حزب توده ایران این توضیح را برای رفع هرگونه شبهه در مورد این رفیق مبارز ضرور میسرمد.

مرگ يك مبارز توده ای هنگام انجام وظیفه

ولی ما تلاش خستگی ناپذیری را برای دستیابی به شناخت علمی از جامعه و مبارزه در راه تحقق آرمان های حزب، هرگز از یاد نمی بریم و همیشه یادش را گرامی می داریم و راهش را ادامه می دهیم.

رفیق مبارز شمال پوریادگار، متولد ۸ خرداد ۱۳۳۸ هنگامی که با دنیای شور و شوق، اولین شماره «مردم» دوره جدید را برای رفقایش در اهواز بهارمغان می آورد، در جاده تهران-اهواز، در یک حادثه جانگناه رانندگی، پازندگی وداع گمت. آخرین ره آورد رفیق شمال، با چند روز تاخیر، همراه با خبر مرگش، به رفقایش رسید.

این جوان توده ای، زندگی چون زندگی همزمان زحمتکشش، سراسر با تلاش و رنج توأم بود. قبل از تولد، پدرش را، که يك نامه رسان بود، از دست داد. در شانزده سالگی به مطالعات علمی روی آورد و به علت هوش و قدرت درك فوق العاده اش توانست به سرعت خصلت های انقلابی را در خود پرورش دهد. در هفده سالگی با انتخاب مشی حزب توده ایران، به رفقای توده ای پیوست و از این زمان، تاهنگام مرگ زودرسی در خدمت آرمان مقدس حزب طراز نوین طبقه کارگر بود.

در شرایط اختناق، که به دست آوردن نشریات انقلابی حزب و همچنین تکثیر این نشریات دشوار بود، رفیق مبارز ما اکثر ساعات شبانه روز را صرف دستنویس کردن «نویده» و تراکت های حزب می نمود. رفقایش، در شرایط اختناق، همیشه در انتظار رسیدن شمال از تهران بودند، چون او همراه خود «نویده» را بهارمغان می آورد.

شمال دیگر در میان رفقا نیست،



شمال پوریادگار (۱۳۳۸ - ۱۳۵۷)

یادگارش زندگی و مبارزه اش گرامی باد یکی از رفقایش در سوگ این جوان توده ای، ابیات زیرین را سروده است:

گل سرخ صداقت درین و درد برباد رفته است در پهن دشت خاطره ها و یادها بپر رفیقان هم روش جز ماتم گل سیاه چیزی نکشته است

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق